

# جهانی شدن مقابله با قاچاق انسان و تأثیر آن بر سیاست جنایی تقنینی ایران

مرجان نگهی مخلص آبادی<sup>1</sup>

تاریخ پذیرش: 1391/7/8

تاریخ دریافت: 1391/4/19

## چکیده

اصل جهان‌شمول حقوق و آزادی‌های بنیادین، نشئت گرفته از کرامت ذاتی انسان است و برده‌داری در اشکال کهن و مدرن، آن را نقض می‌کند. صورت مدرن این پدیده با نام "قاچاق انسان"، در سال‌های اخیر رشدی فزاینده یافته و کشورهای بی‌شماری را به عنوان کشورهای مبدأ، واسطه و مقصد در معرض آسیب قرار داده است. جهانی‌شدن، یکی از عوامل تأثیرگذار بر افزایش قاچاق انسان می‌باشد و مقابله‌ی کارآمد با این پدیده نیازمند تلاش و همکاری جهانی است. پاسخ جامعه جهانی به این نیاز چه بوده است؟ در این مقاله تلاش شده برای این پرسش‌ها پاسخی بیابیم: قاچاق انسان چیست؟ مفهوم جهانی‌شدن چیست؟ فرآیند جهانی‌شدن مبارزه با قاچاق انسان از چه هنگامی آغاز شده و اکنون در چه جایگاهی است؟ جایگاه دادگاه بین‌المللی کیفری و دادگاه‌های بین‌المللی موردی در این مبارزه چیست؟ تأثیر این فرآیند بر سیاست جنایی تقنینی ایران چه بوده است؟

**کلید واژه‌ها:** قاچاق انسان، دادگاه‌های بین‌المللی کیفری، دیوان بین‌المللی کیفری، جنایت علیه بشریت، سیاست جنایی تقنینی

## 1- مقدمه

به گواهی تاریخ، "برده داری" یکی از رسوم باستانی متداول در میان بیشتر ملت‌های جهان از جمله یونان، ایران و روم بوده است. قانون‌نامه‌ی حمورابی در حدود 2200 سال پیش از میلاد مسیح به مسئله‌ی برده‌داری و خرید و فروش غلام‌ها و کنیزان پرداخته است. در کتاب "مادیکان هزار دادستان" نیز که یکی از مهم‌ترین منابع حقوق ایران در زمان ساسانیان است، به وجود نهاد برده‌داری اشاره شده است. این رسم چندصد ساله در قرون وسطی رو به کاهش نهاد اما کشف قاره‌ی آمریکا و کمبود نیروی کار در آن منطقه، یک بار دیگر موجب رونق و تداوم تجارت بردگان سیاه پوست غرب آفریقا در سال 1502 میلادی شد. این تجارت آن چنان سودآور و مورد حمایت ثروتمندان و صاحبان قدرت بود که گمان نمی‌رفت پایان پذیرد. اما سرانجام این تجارت در قرن نوزدهم میلادی ملغی گردید (Adams, 2008: 124). اولین گام عملی در راستای جهانی‌شدن این مبارزه با امضای مقابله‌نامه بین‌المللی متوقف ساختن قاچاق برده‌های سفید پوست،

<sup>1</sup> - دکتری حقوق

(1904م.) در پاریس برداشته شد. با این وجود از دهه‌های گذشته شاهد تجارت بردگانی هستیم که بسیاری از آن‌ها انسان‌های سفید پوست هستند. انسان‌هایی که برای کار، فروش اعضا، فرزندخواندگی، تن فروشی و سایر مقاصد جنسی قاچاق می‌شوند. رشد فزاینده‌ی این پدیده که "بردگی معاصر"<sup>1</sup> نیز نامیده می‌شود نگرانی دولت‌ها، جامعه‌ی بین‌المللی و مدافعان حقوق بشر را افزایش داده است (Parliamentary Assembly of the Council of Europe, 2007: 9).

گسترده‌ی و پراکنده‌ی مناطق مبدأ، واسطه و مقصد، قربانیان بی‌شمار و سود سرشار، این تجارت بی‌شماره را در زمره‌ی جرایم سازمان‌یافته قرار داده است. سالانه در حدود 600 الی 800 هزار کودک، زن و مرد از طریق مرزهای بین‌المللی قاچاق می‌شوند. در میان جرایم فراملی قاچاق انسان بیشترین افزایش را داشته است و در سال 2012 دست کم 127 کشور را در معرض آسیب قرار داده است. (UNODC, Trafficking in person report, 2012) این تجارت پس از قاچاق مواد مخدر و اسلحه سومین جرم سودآور سازمان‌یافته است (Sanyal, 2003: 104) و چه بسا منفعت مادی حاصل از آن بیش از دو جرم نامبرده دیگر باشد، زیرا یک قاچاقچی می‌تواند اسلحه و مواد مخدر را تنها یک بار به فروش برساند اما این قربانیان از این قابلیت برخوردار هستند تا به دفعات بی‌شمار در معرض خرید و فروش قرار گیرند.

در پیدایش و تداوم این پدیده عوامل بسیاری از جمله فقر، بیکاری، کم‌سودایی، مهاجرت، ازدواج در سنین کم و کودکی و بی‌توجهی دولت‌مردان نقش مهمی دارند. باور به برقراری ارتباط جنسی ایمن و عاری از خطر ابتلا به ایدز با کودکان نیز به این موضوع دامن زده است (McIntosh, 1995: 46). قربانیان این جرم عمدتاً متعلق به کشورهای فقیر، توسعه نیافته و در حال توسعه می‌باشند و مقصد، کشورهای دارای صنعت پررونق توریسم، ایالات متحده آمریکا و یا کشورهای ثروتمند همسایه می‌باشد (Sanyal, 2003). قاچاقچیان زنان، کودکان و یا خانواده‌های آن‌ها را با وعده‌ی زندگی بهتر، کار و درآمد سرشار می‌فریبند. برای شکارچیان کودک، هندوستان گذرگاه امن قاچاق برای فحشا، کار با دستمزد ناچیز و یا تکدی‌گری به حساب می‌آید. هنوز بسیاری از زنان و دختران در کشورهایمانند هند، پاکستان، بنگلادش و نپال در فقر به سر می‌برند و از فرصت‌های برابر تحصیلی و اشتغال بهره‌مند نمی‌شوند (Ibid). کشورهای بلژیک، آلمان، یونان، ایتالیا، بوسنی و هرزگوین، جمهوری چک، دانمارک، فرانسه، کوزوو، هلند، اسپانیا، سوئیس و بریتانیا عمده‌ترین مقاصد قاچاقچیان انسان در سال 2006 بوده‌اند (Deb, 2005:120).

یکی از اهداف عمده‌ی قاچاق کودک، استثمار اقتصادی و جنسی به صورت بیگاری و کار اجباری، تکدی‌گری، پورنوگرافی، توریسم جنسی، فحشا، شرکت در مسابقات شترسواری، برداشتن اعضا و جوارح، شرکت در جنگ‌ها و مناقشات مسلحانه و یا فرزندخواندگی است (Scarpa, 2008: 9-10). شرکت‌کنندگان در این جرم متعلق به طبقات مختلف جامعه هستند. در برخی از موارد کودکان قربانی به وسیله‌ی کودکان همسن و یا بزرگ‌تر از خود فریب خورده و در دام قاچاقچیان اسیر می‌شوند.

---

۱. Contemporary Slavery

## 2- تبیین مفاهیم

اولین گام در بررسی موضوع جهانی‌شدن مقابله با قاچاق انسان، ایجاد شفافیت مفهومی است. بنابراین توضیح مفاهیم ذیل ضروری است:

### 2-1. جهانی شدن

درباره‌ی عبارت Globalization که معادل فارسی آن جهانی‌شدن می‌باشد، تعابیر گوناگونی ارائه شده است. گاهی به فرآیندی تعبیر شده که مردم جهان را در جامعه‌ای واحد و فراگیر گرد هم می‌آورد و گاهی نیز آن را فرآیندی چندجانبه دانسته‌اند که بر اساس حقوق اجتماعی و سیاسی، فضای اجتماعی جدیدی پدید می‌آورد (توحیدی فرد، 1380: 38). در این مقاله منظور از جهانی‌شدن مقابله با قاچاق انسان این است که نهادهای قضایی بین‌المللی آن را جرم انگاشته و در رابطه با آن در سطح بین‌المللی و منطقه‌ای اقداماتی صورت داده‌اند که مورد پذیرش بسیاری از کشورها است.

### 2-2. قاچاق انسان

واژه‌ی قاچاق در لغت به معنی تردستی و کاری است که به طور پنهانی انجام می‌شود. این عبارت برگرفته از کلمه‌ی قامچاق به معنای فراری (ایمانی، 1386: 401) در فرهنگ معین به معنای خرید و فروش غیر قانونی اجناس آمده است. هم‌اکنون عبارت "قاچاق انسان" در ادبیات حقوقی به معنای داد و ستد انسان مورد پذیرش قرار گرفته است. برخی با توجه به معنای لغوی استفاده از عبارت "سوداگری انسان" را مناسب‌تر می‌دانند، اما با توجه به ماهیت جرم و این واقعیت که انسان به عنوان کالا مورد خرید و فروش واقع می‌شود، به‌کارگیری کلمه‌ی قاچاق مناسب‌تر است و این جرم را در لفافه‌ای از الفاظ پنهان نمی‌کند. قانون مبارزه با قاچاق انسان مصوب 1383 ه.ش. مجلس شورای اسلامی جمهوری اسلامی ایران، قاچاق انسان را خارج یا وارد ساختن و یا ترانزیت مجاز یا غیرمجاز فرد یا افراد از مرزهای کشور با اجبار و اکراه یا تهدید یا خدعه و نیرنگ و یا با سوء استفاده از قدرت یا موقعیت خود یا سوء استفاده از وضعیت فرد یا افراد یاد شده با هدف فحشا یا برداشت اعضا و جوارح، بردگی و ازدواج تعریف کرده است. تحویل گرفتن یا انتقال دادن یا مخفی نمودن یا فراهم ساختن موجبات اختفای فرد یا افراد مذکور پس از عبور از مرز با اهداف نامبرده نیز در این تعریف قرار می‌گیرد. متأسفانه این قانون تعریف جامعی از قاچاق انسان ارائه نداده است و آن را منحصر به مرزهای جغرافیایی کشور دانسته و قاچاق انسان از یک کشور به کشور دیگر را مورد بی‌توجهی قرار داده است.

مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال 1994 م. قاچاق انسان را حرکت دادن و انتقال غیر قانونی و مخفیانه اشخاص در مرزهای ملی و بیشتر از کشورهای در حال توسعه و دارای اقتصاد در حال گذار با هدف غایی اجبار زنان و دختران به استثمار جنسی و اقتصادی و منتفع شدن قاچاقچیان و سندیکاهای جنایتکار و یا اهداف کار خانگی اجباری، ازدواج دروغین، استخدام پنهانی و فرزندخواندگی دروغین تعریف کرده است.

بر اساس ماده‌ی سوم پروتکل پیشگیری، سرکوب و مجازات قاچاق اشخاص بویژه زنان و کودکان، سال 2000 م. (پروتکل پالمو) [1] قاچاق انسان عبارت است از: استخدام، حمل و نقل، پناه دادن یا تحویل گرفتن اشخاص با هدف بهره‌کشی و به وسیله‌ی تهدید یا استفاده از زور یا دیگر اشکال اجبار و تحمیل، آدم ربایی، تقلب، فریب، سوء استفاده از قدرت یا تطمیع فردی که بر شخص دیگر کنترل دارد. بهره‌کشی می‌تواند به صورت بهره‌کشی جنسی، کار یا ارائه‌ی خدمات اجباری، بردگی یا رویه‌های مشابه بردگی، بیگاری یا برداشتن اندام‌های بدن باشد. کنوانسیون مشارکت منطقه‌ای اتحادیه‌ی جنوب آسیا (سارک) در سال 1997 میلادی قاچاق انسان را جرم شناخته، عنصر رضایت بزه دیده را منتفی دانسته و قاچاق زنان و کودکان را حرکت دادن و نقل و انتقال، خرید یا فروش زنان و کودکان برای فحشا در داخل و یا خارج از کشور می‌داند که با هدف به دست آوردن پول و یا عوض دیگر صورت می‌گیرد. [2]

نکته‌ی مهم در تعریف قاچاق توجه به تفاوت‌های دو واژه‌ی مترادف انگلیسی Trafficking و Smuggling است. واژه‌ی Smuggling به معنای قاچاق انسان برای مهاجرت و یا ورود غیرقانونی از یک کشور به کشور دیگر است که با رضایت فرد صورت می‌گیرد. در حالی که واژه‌ی Trafficking به معنای قاچاق انسان همراه با شکنجه، آزار و اجبار است و با هدف بهره‌کشی در داخل کشور و یا از یک کشور به کشور دیگر انجام می‌شود ([Http://www.undoc.org/unodc/en/trafficking\\_victim\\_consent.html](http://www.undoc.org/unodc/en/trafficking_victim_consent.html)).

## 2-2-1. رکن مادی

بر اساس پروتکل پالمو که جامع‌ترین سند بین‌المللی در زمینه‌ی قاچاق انسان است، این جرم به صورت فعل مادی مثبت انجام می‌گیرد و دربرگیرنده‌ی افعال استخدام، حمل و نقل، پناه دادن یا تحویل گرفتن اشخاص با هدف بهره‌کشی است که با توسل به تهدید یا استفاده از زور یا دیگر اشکال اجبار و تحمیل، آدم ربایی، تقلب، فریب، سوء استفاده از قدرت یا تطمیع فردی که بر شخص دیگر کنترل دارد، صورت می‌گیرد. بهره‌کشی می‌تواند در اشکال گوناگون از جمله بهره‌کشی جنسی، کار یا ارائه‌ی خدمات اجباری، بردگی یا رویه‌های مشابه بردگی، بیگاری یا برداشتن اندام‌های بدن صورت گیرد.

این پروتکل فارغ از جنسیت تمام افراد را مورد حمایت خویش قرار می‌دهد اما به زنان و کودکان توجه ویژه‌ای دارد. در صورتی که قربانی قاچاق یک کودک باشد، عمل استخدام، حمل و نقل، انتقال، پناه دادن یا دریافت کردن کودک برای بهره‌کشی جنسی، قاچاق انسان است حتی اگر بدون استفاده از صور

گوناگون تهدید، اجبار، فریب و یا سوء استفاده از قدرت باشد. در این پروتکل عبارت کودک دربرگیرنده‌ی کلیه افرادی است که کمتر از 18 سال سن دارند. بر اساس این کنوانسیون قاچاق انسان باید ماهیت فراملی داشته باشد و به وسیله گروه‌های تبهکاری سازمان یافته ارتکاب یابد. منظور از گروه‌های تبهکاری سازمان‌یافته، گروهی ساختارمند است که دست کم متشکل از سه نفر بوده و هدف آن‌ها تحصیل منافع حاصل از ارتکاب جرم است. وسیله‌ی ارتکاب جرم تأثیری بر ارتکاب جرم و یا شدت مجازات ندارد. علاوه بر این رضایت بزه‌دیده تأثیری در وقوع جرم ندارد. قاچاق انسان در دسته‌ی جرایم مطلق قرار دارد و به محض وارد ساختن و یا نقل و انتقال، تحویل دادن یا گرفتن و یا مخفی کردن یا فراهم کردن موجبات اختفای قربانی محقق شده و نیازمند حصول اهداف مذکور در این بزه نیست.

## 2-2-2. رکن روانی

جرم قاچاق انسان از جمله جرایم عمدی است و علاوه بر قصد انجام فعل مجرمانه نیازمند قصد تحقق نتیجه‌ی مجرمانه نیز می‌باشد. سوء نیت عام بزهکار قصد او در انتقال دادن یا تحویل گرفتن، اختفا و یا فراهم کردن موجبات اختفای بزه‌دیده پس از عبور از مرز است. سوء نیت خاص نیز قصد وقوع نتیجه مترتب بر رفتار بزهکار است، خواه این قصد در عالم واقع محقق شود یا خیر. سوء نیت خاص در این جرم قصد استثمار جنسی، کار اجباری، بیگاری، به بردگی کشاندن یا رویه‌های مشابه برده‌داری، برداشت اعضا و جوارح بدن است. در صورتی که بزه قاچاق انسان به صورت سازمان‌یافته صورت گیرد، رضایت بزه‌دیده در تحقق آن فاقد تأثیر است.

در این مقاله هم‌راستا با پروتکل پالمو، قانون قاچاق انسان (1383) و کنوانسیون شورای اروپا در زمینه‌ی اقدام علیه قاچاق انسان (2005 م. - ورشو) قاچاق انسان عبارت از استخدام و به کارگیری، حمل و نقل، انتقال، مخفی کردن یا تحویل گرفتن افراد با هدف استثمار است که از طریق توسل به تهدید، زور یا سایر اشکال اجبار، آدم ربایی، جعل، فریب، سوء استفاده از قدرت یا سمت و یا آسیب پذیری و یا به وسیله‌ی تبادل پول یا عوض دیگر برای به دست آوردن رضایت شخصی که بر شخص دیگر کنترل دارد، صورت می‌پذیرد. استثمار در کمترین میزان خود شامل بهره‌کشی از فحشای دیگران و یا سایر اشکال استثمار جنسی، کار یا خدمات اجباری، برده‌داری و اعمال مشابه با برده‌داری، خدمتکاری در خانه و برداشت اعضای بدن است.

## 3- فرآیند جهانی شدن مبارزه با قاچاق انسان

همان گونه که اشاره شد برده‌داری و تجارت انسان‌ها عملی مرسوم در طول تاریخ بشر بوده و از قرن نوزدهم میلادی در برخی از ممالک ملغی گردیده است. شاید بتوان گفت اولین جرقه‌ی مقابله جهانی با قاچاق انسان در سال 1904 م. و با امضا مقاوله‌نامه‌ی بین‌المللی متوقف‌ساختن قاچاق برده‌های

سفیدپوست در پاریس زده شد. ادعای جهانی‌شدن مقابله با قاچاق انسان از طریق بررسی پدیده‌ی جهانی‌شدن حقوق کیفری قابل اثبات است. درباره‌ی جهانی‌شدن حقوق کیفری نظرات متفاوتی وجود دارد. نسبت‌گرایان<sup>۱</sup> جهانی‌شدن حقوق را به وحدت حقوق تعبیر کرده و بر این باورند که حقوق برگرفته از متغیرهایی چون عوامل محیطی، طبیعی، عرف، آداب و رسوم و نظام اجتماعی است و در نتیجه جهانی‌شدن آن متصور نیست. در مقابل پیروان مکتب جهان‌گرایی<sup>۲</sup>، حقوق ترسیم‌شده توسط جامعه‌ی بین‌الملل را بنیادین و عدول ناپذیر دانسته، معتقدند معیارهای قوانین جزایی باید توسط حقوق بین‌الملل عرفی، عهدنامه‌ها و منشور بین‌المللی حقوق بشر تعیین گردد (توحیدی فرد، ۱۳۸۰: ۳۹). گروهی نیز با استناد به تئوری خردورزی جمعی و با توجه به این که خرد جمعی در مقایسه با خرد اقلیت احتمال خطای پایین‌تری دارد، معتقد به نوعی مدرنیته حقوق کیفری هستند که در آن اجماع و خرد جهانی امکان اشتباه در زمینه‌ی عدالت کیفری را تا حد معقول کاهش می‌دهد (همان: ۴۵). برخلاف وجود نظرات متفاوت در این باب و خوش‌نیامدن جام جهانی‌شدن حقوق کیفری به ذاتقه‌ی حکومت‌گران و مغایر دانستن آن با اعمال حق حاکمیت و مخالفت با نظر "مونتسکیو" در کتاب "روح القوانين" مبنی بر این که "قوانین باید آن چنان خاص ملتی باشند که برای آن‌ها وضع شده‌اند به گونه‌ای که تنها به طور اتفاقی بتوانند برای ملت دیگر مناسب باشند"، اثبات می‌کنیم حقوق کیفری در مفهوم عام و یکی از مصادیق عملی آن در زمینه‌ی مبارزه با قاچاق انسان به امری جهانی تبدیل شده است!

مدتی نه چندان طولانی از آغاز روند جهانی‌شدن حقوق سپری شده است. این روند در شاخه‌هایی از حقوق مانند حقوق اقتصادی رشد سریعی داشته و در شاخه‌ی حقوق کیفری به کندی در جریان است. با توجه به این مسئله که همواره قواعد حقوقی مشترک نشئت گرفته از فرهنگ‌های حقوقی مختلف وجود دارد، روند جهانی‌شدن حقوق کیفری نیز پویا و متحول است. مراد از جهانی‌سازی حقوق کیفری تأکید بر هماهنگ‌سازی است و نه وحدت. در این مفهوم هماهنگ‌سازی روندی است که نظام‌های حقوقی را ضمن حفظ تفاوت‌های خود به یکدیگر نزدیک می‌سازد (پرادل: ۱۷۶).

در شکل‌گیری فرآیند جهانی‌شدن حقوق به طور اعم و حقوق کیفری به طور اخص بحران‌های بزرگ جهانی نقش بسیاری داشته‌اند (دلماز مارتی، ۱۳۷۸: ۱۰۵). وقوع دو جنگ ویران‌گر جهانی اول و دوم و جنایات دهشتناک انسانی رخ داده در آن، جامعه‌ی جهانی را به محاکمه‌ی جنایتکاران جنگی و تأسیس نهاد دائمی بین‌المللی به منظور حفظ صلح و امنیت جهانی ملزم ساخت. نتیجه‌ی این الزام تصویب منشور ملل متحد در سال ۱۹۴۵ م. و پیش‌بینی نظام کیفری خاص در فصل هفتم آن و ایجاد بزرگ‌ترین سازمان بین‌المللی دائمی و در نهایت تصویب اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر در سال ۱۹۴۸ م. و تحقق گامی عملی در راستای جهانی‌شدن حقوق بود.

---

۱. Cultural Relativist  
۲. Universalism

### 1-3- تشکیل دادگاه‌های بین‌المللی موردی<sup>۱</sup> و دیوان بین‌المللی کیفری<sup>۲</sup>

یکی از ادله‌ی اثبات جهانی‌شدن حقوق کیفری تشکیل دادگاه‌های بین‌المللی موردی و تأسیس دیوان بین‌المللی کیفری است. با پایان یافتن جنگ دوم جهانی و تشکیل دادگاه بین‌المللی موقت نورنبرگ برای محاکمه‌ی سران نازی در سال 1945 و دادگاه بین‌المللی خاور دور (توکیو) برای رسیدگی به اتهامات جنایتکاران جنگی ژاپن در سال 1946 م. موضوع ایجاد دیوان کیفری بین‌المللی نخستین بار در قطعنامه‌ی مجمع عمومی سازمان ملل متحد در اجلاس سال 1948 مطرح شد. پس از آن وقوع چند فاجعه‌ی دردناک به روند تأسیس دیوان بین‌المللی کیفری سرعت بخشید. جنگ میان آمریکا و ویتنام در سال 1970 م. و ارتکاب جنایات جنگی توسط آمریکایی‌ها در ویتنام و جنگ در یوگسلاوی و رواندا با وقوع کشتار جمعی و جنایت ضد انسانیت در سطح گسترده از جمله‌ی این فجایع بودند.

پذیرش اساسنامه‌ی دیوان بین‌المللی کیفری از سوی نشست نمایندگان تام‌الاختیار ملل متحد برای تأسیس یک دیوان بین‌المللی کیفری در ژوئیه‌ی سال 1998 و تصویب عناصر تشکیل‌دهنده‌ی جرایم تحت پوشش و آیین دادرسی و ادله‌ی آن در ژوئیه‌ی سال 2000 م. معتبرترین دلیل اثبات جهانی‌شدن حقوق کیفری به شمار می‌آید. با تأسیس این دیوان نهادی با شخصیت حقوقی بین‌المللی و دارای اهلیت لازم برای اجرای وظایف و تحقق اهداف خود ایجاد شد. از لحاظ ساختاری دیوان، نهاد مستقل و دائمی قضایی است که صلاحیت رسیدگی به جنایت بین‌المللی مندرج در اساسنامه‌ی خود را دارد. در فصل اول اساسنامه به مسئله‌ی صلاحیت تکمیلی دیوان نسبت به دادگاه‌های ملی اشاره شده است. در فصل دوم اساسنامه تحت عنوان "صلاحیت، قابلیت پذیرش و حقوق قابل اجرا" صلاحیت رسیدگی به چهار جنایت نسل‌کشی، جنایت بر ضد انسانیت، جنایت جنگی و جنایت تجاوز، به دیوان اعطا شده است. در صورتی که بتوان پدیده‌ی قاچاق انسان را در محدوده‌ی جنایات بین‌المللی مندرج در صلاحیت دیوان و سایر دادگاه‌های بین‌المللی موردی جرم انگاری نمود، می‌توان با ادعای اینکه نهاد قضایی بین‌المللی چنین عملی را جرم و قابل مجازات اعلام کرده است، مبارزه با این پدیده را جهانی دانست.

مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال 1994 میلادی قاچاق انسان را حرکت‌دادن و انتقال غیرقانونی و مخفیانه‌ی اشخاص ... با هدف غایی اجبار زنان و دختران به استثمار جنسی و اقتصادی و منتفع شدن قاچاقچیان و سندیکاهای جنایتکار و ... تعریف کرده است. به موجب ماده‌ی سوم پروتکل پیشگیری، سرکوب و مجازات قاچاق اشخاص بویژه زنان و کودکان، سال 2000 م. (پروتکل پالمو) نیز قاچاق انسان عبارت است از: استخدام، حمل و نقل، پناه دادن، یا تحویل گرفتن اشخاص با هدف بهره‌کشی و ... بهره‌کشی می‌تواند به صورت بهره‌کشی جنسی، بردگی یا رویه‌های مشابه بردگی و ... باشد. کنوانسیون مشارکت منطقه‌ای اتحادیه‌ی جنوب آسیا (سارک) نیز قاچاق زنان و کودکان را حرکت دادن و نقل و انتقال، خرید یا فروش زنان و کودکان برای فحشا در داخل و یا خارج از کشور می‌داند که با هدف به دست آوردن

۱. ad hoc Tribunal

۲. International Criminal Court (ICC)

پول و یا عوض دیگر صورت می‌گیرد. با توجه به تعاریف مذکور می‌توان گفت قاچاق انسان عموماً با هدف استثمار جنسی و اقتصادی صورت می‌گیرد و با افعالی از جمله به بردگی کشاندن، خشونت و بهره‌کشی جنسی، بیگاری، تجاوز به عنف، واداشتن به فحشا و اعمال غیرانسانی دیگر همراه است. قاچاقچیان، واسطه‌ها، دلال‌ها و مشتریان، برای تحقق اهداف غیرانسانی خود، قربانیان را محبوس کرده، شکنجه می‌کنند، کتک می‌زنند، مورد آزار و تجاوز قرار می‌دهند و روزها گرسنه نگه می‌دارند (Deb, 2005: 119). حال باید بررسی کرد که آیا می‌توان اعمال همراه با قاچاق انسان از جمله به بردگی - کشاندن، بردگی جنسی، فحشای اجباری، هتک ناموس به عنف، خشونت جنسی، زجر و آزار و اعمال غیرانسانی دیگر را با ارکان تشکیل‌دهنده‌ی جنایات داخل در صلاحیت دادگاه‌های بین‌المللی موردی و بویژه دیوان بین‌المللی کیفری متصور شد یا خیر.

دیوان بین‌المللی کیفری به موجب اساسنامه خود، صلاحیت رسیدگی به چهار دسته جرم بین‌المللی "جنایت جنگی"، "تجاوز به اراضی"، "نسل‌زدایی" و "جنایت بر ضد انسانیت" را دارد. جرم "قاچاق انسان" در میان جنایات نامبرده، مشابهت‌هایی با "جنایت بر ضد انسانیت" یا "جنایت علیه بشریت" دارد. باید بررسی کرد که آیا این جرم می‌تواند از مصادیق "جنایت بر ضد انسانیت" قرار گیرد یا خیر. پیش از ورود به بحث توجه به این نکته ضروری است که به موجب اصل صلاحیت تکمیلی دیوان، صلاحیت ملی تقدم دارد و در صورت ناتوانی و یا عدم تمایل دولت‌ها به تحقیق و تعقیب جرایم مندرج در اساسنامه صلاحیت دیوان موضوعیت اجرا می‌یابد.

### 1-1-3. ارکان تشکیل‌دهنده جنایت بر ضد انسانیت<sup>1</sup>

بر اساس حقوق جزا برای تحقق جرم، وجود سه رکن قانونی، مادی و روانی ضروری است. با توجه به این که جنایت بر ضد انسانیت اصطلاحی مشتمل بر جرایم گوناگون است که در شرایط مادی و روانی ویژه‌ای محقق می‌شود، در این قسمت ابتدا به رکن قانونی جرایم مرتبط با قاچاق انسان و سپس رکن مادی و روانی جنایت بر ضد انسانیت پرداخته می‌شود:

#### الف - رکن قانونی انواع جنایات بر ضد انسانیت مرتبط با قاچاق انسان

اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها وجود عنصر قانونی را اولین گام برای مجرمانه دانستن یک فعل می‌داند. این اصل که یکی از اصول حاکم بر حقوق بین‌المللی کیفری و حقوق جزای داخلی کشورها است، در ماده‌ی 15 میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی سال 1966 م. نیز مورد تأکید قرار گرفته است. در صورتی که بتوان براساس مندرجات اساسنامه‌ی دادگاه‌های بین‌المللی موردی و دیوان بین‌المللی کیفری افعال به بردگی کشاندن، بهره‌کشی جنسی، هتک ناموس به عنف، خشونت جنسی، فحشای اجباری، زجر و

۱. Crime against humanity



آزار و دیگر اعمال غیرانسانی همراه با قاچاق انسان را مجرمانه اعلام کرد، می‌توان آن را دلیلی بر ادعای جهانی شدن مقابله با قاچاق انسان دانست.

ممکن است ادعای مشابهت میان "جرم قاچاق انسان" و "جنایت علیه انسانیت" در ابتدا شائبه‌برانگیز باشد، اما توجه به این نکته ضروری است که برخلاف تصور ظاهری وقوع "جنایت بر ضد انسانیت" تنها به زمان جنگ و درگیری‌های مسلحانه محدود نبوده و به موجب حقوق بین‌الملل در زمان صلح نیز امکان‌پذیر است. (کیتیچایساری، 1383: 182).

اصطلاح "جنایت بر ضد انسانیت" به صورت تخصصی اولین بار در بند ج ماده‌ی 6 منشور نورنبرگ به کار گرفته شد و عبارت بود از "... قتل عمدی، نابودسازی، به بردگی گرفتن، بیرون‌راندن و سایر اعمال غیرانسانی علیه هر جمعیت غیرنظامی، اعم از آن که پیش یا در خلال جنگ ارتکاب یافته باشد ... صرف نظر از این که اعمال نامبرده ناقض حقوق داخلی محل ارتکاب جرم بوده و یا خیر". قانون شماره‌ی 10 شورای نظارت (1945) نیز "جنایت بر ضد انسانیت" را فجایع و جنایاتی از جمله قتل عمد، نابودسازی، به بردگی کشاندن، هتک ناموس به عنف، یا سایر اعمال غیرانسانی علیه هر جمعیت غیرنظامی می‌داند، صرف نظر از این که این اعمال ناقض حقوق داخلی کشور محل ارتکاب جرم باشد یا خیر. در بند ج ماده‌ی 5 منشور توکیو نیز فعل به بردگی گرفتن از مصادیق "جنایت علیه بشریت" محسوب شده است.

ماده‌ی 5 اساسنامه‌ی دادگاه یوگسلاوی سابق به موضوع "جنایت بر ضد انسانیت" پرداخته است. بر اساس این ماده، دادگاه بین‌المللی یوگسلاوی اختیار خواهد داشت اشخاصی را که مسئول جنایاتی از جمله به بردگی گرفتن، هتک ناموس به عنف، انواع زجر و آزار به دلایل سیاسی، نژادی یا مذهبی بوده‌اند، تعقیب نماید، مشروط بر این که ارتکاب جرم در خلال منازعه‌ی مسلحانه صورت گرفته و متوجه جمعیت غیرنظامی باشد. در ماده‌ی 3 اساسنامه‌ی دادگاه رواندا نیز اعمالی از جمله به بردگی گرفتن، تجاوز به عنف در زمره‌ی "جنایت علیه بشریت" آمده است مشروط بر این که ارتکاب این جنایات همراه با داشتن قصد تبعیض‌آمیز باشد.

ماده 7 اساسنامه‌ی دیوان بین‌المللی کیفری اعمالی از جمله به بردگی گرفتن، هتک ناموس به عنف، برده‌گیری جنسی، به فحشا واداشتن یا هر شکل دیگر تعرض جنسی را از مصادیق "جنایت بر ضد انسانیت" می‌داند که بخشی از یک تعرض یا هجمه‌ی گسترده یا سازمان یافته و همراه با علم است که علیه جمعیت غیرنظامی صورت می‌گیرد. به این ترتیب می‌توان جرم بین‌المللی جنایت بر ضد انسانیت را در ارتباط با قاچاق انسان، در انواع برده‌گیری، برده‌داری جنسی، هتک ناموس به عنف، فحشای اجباری، خشونت جنسی، زجر و آزار و دیگر اعمال غیرانسانی دسته‌بندی و بررسی نمود. ماده‌ی 5 اساسنامه دادگاه یوگسلاوی سابق به موضوع "جنایت بر ضد انسانیت" پرداخته است. بر اساس این ماده دادگاه بین‌المللی یوگسلاوی اختیار خواهد داشت اشخاصی را که مسئول جنایاتی از جمله به بردگی گرفتن، هتک ناموس به عنف، انواع زجر و آزار به دلایل سیاسی، نژادی یا مذهبی بوده‌اند، تعقیب نماید، مشروط بر این که ارتکاب جرم در خلال منازعه مسلحانه صورت گرفته و متوجه جمعیت غیرنظامی باشد. توجه به این نکته ضروری

است که شرط ارتکاب جرم در هنگام "درگیری مسلحانه" که در ماده‌ی 5 اساسنامه‌ی دادگاه یوگسلاوی سابق مطرح شده است، از ارکان تعیین‌کننده‌ی صلاحیت موضوعی این دادگاه بوده و عنصر ماهوی تشکیل‌دهنده‌ی "جنایت بر ضد انسانیت" نمی‌باشد و در نتیجه نیازی به اثبات وقوع جنایت در یک درگیری مسلحانه نیست. این موضوع در پرونده‌ی تادیچ در دادگاه یوگسلاوی سابق نیز مورد تأکید قرار گرفته است که "... به موجب حقوق بین‌الملل عرفی ... به هیچ وجه لازم نیست ارتکاب جنایت بر ضد انسانیت مرتبط با درگیری مسلحانه بین‌المللی و یا اصولاً هیچ نوع درگیری باشد." (Tadic, Jurisdiction Decision, 1995). در اساسنامه‌ی دادگاه ویژه‌ی سیرالئون نیز در ماده‌ی 2 تحت عنوان "جنایت بر ضد انسانیت" آمده است: دادگاه ویژه اختیار لازم را خواهد داشت تا اشخاصی را که مرتکب جنایاتی از قبیل به بردگی گرفتن، هتک ناموس به عنف، برده‌گیری جنسی، واداشتن به فحشا و دیگر اعمال غیرانسانی شده‌اند، تعقیب نماید.

#### • برده‌گیری<sup>1</sup> و برده‌داری جنسی<sup>2</sup>

بررسی موارد فوق بیانگر این است که "برده‌گیری" یکی از مصادیق مشترک جنایت بر ضد انسانیت در منشور نورنبرگ، قانون شورای نظارت آلمان، منشور توکیو، اساسنامه‌ی دادگاه یوگسلاوی سابق، دادگاه رواندا، اساسنامه‌ی دیوان بین‌المللی کیفری و دادگاه ویژه‌ی سیرالئون می‌باشد. اساسنامه‌ی دیوان با الهام از کنوانسیون برده‌داری 1926 م. در بخش ج بند 2 ماده‌ی 7 "برده‌گیری" را چنین تعریف کرده است: "اعمال تمام یا بخشی از اختیارات ناشی از حق مالکیت نسبت به یک شخص از جمله خرید و فروش و قاچاق انسان‌ها و بویژه زنان و کودکان". به این ترتیب اساسنامه‌ی دیوان "قاچاق انسان" را یکی از موارد اعمال حق مالکیت نسبت به اشخاص حقیقی اعلام کرده که از مصادیق برده‌داری بوده و در دسته‌ی جنایات علیه بشریت قرار می‌گیرد. همچنین، کمیسیون مقدماتی دادگاه بین‌المللی کیفری در قسمت عناصر تشکیل‌دهنده‌ی جرم عنوان کرده است که "جنایت بر ضد انسانیت از نوع برده‌داری جنسی، دربرگیرنده قاچاق انسان بویژه زنان و کودکان نیز می‌باشد." (ICC Element of Crime, 1999). بر اساس ماده‌ی 7 ممکن است به بردگی گرفتن بدون وجود بدرفتاری، سوء استفاده جسمی، جنسی و حتی روانی صورت گیرد. علاوه بر این، در بند 1 ماده‌ی 7 اساسنامه‌ی برده‌گیری جنسی و به فحشا واداشتن نیز از جمله جنایت صورت گرفته علیه بشریت معرفی شده است. در همین راستا می‌توان به پرونده‌ی کوناراک، کوکاک و وکویچ در دادگاه یوگسلاوی سابق اشاره کرد. در این پرونده متهمان دو زن را برای چند ماه در خانه‌ای نگه داشته و با آن‌ها مانند کالای شخصی رفتار کرده بودند. این زنان در این مدت کارهای خانه را انجام داده و نیازهای جنسی متهمان را برآورده می‌ساختند. قربانیان تهدید شده بودند که اگر اقدام به فرار نمایند، کشته می‌شوند و سرانجام به صرب‌ها فروخته شدند. دادگاه یوگسلاوی متهمان این پرونده را به

---

۱. Enslavement

۲. Sexual Slavery

ارتکاب "جنایت بر ضد بشریت" از طریق برده‌گیری محکوم کرد (Prosecutor v. Kunarac, Kovac, Vukovic, ICTY, 2001) در پرونده‌ی کوناراک نیز آمده است اگرچه "به بردگی گرفتن" و یا "برده‌داری" در اساسنامه‌ی دادگاه یوگسلاوی تعریف نشده است اما کمیسیون حقوق بین‌الملل "به بردگی گرفتن" را به عنوان جنایت علیه انسانیت و از موارد پذیرفته شده در حقوق بین‌الملل عرفی معرفی کرده است (Prosecutor v. kunarac, Judgment, IT-96-23-T, 537, 2001). هم چنین، تأکید کرده است که برده‌داری یا به بردگی گرفتن می‌تواند معنایی گسترده‌تر از معنای مندرج در حقوق بین‌الملل عرفی داشته باشد و افعال بیشتری به عنوان مصادیق آن احصا شود (Guilfoyle note, 161 at 229).

در پرونده مطروحه در دادگاه بین‌المللی موردی تیمور شرقی به نام RUF نیز سه نفر به اتهام ارتکاب "جنایت بر ضد انسانیت" به اشکال تجاوز به عنف، برده‌داری، برده‌داری جنسی، ازدواج اجباری و خشونت جنسی سیستماتیک و گسترده علیه شهروندان غیرنظامی در سیرالئون محکوم شناخته شدند. مبنای قانونی محکومیت به جرم تجاوز به عنف و برده‌داری جنسی بند 7 ماده‌ی 2 و جرم برده‌داری بند 3 ماده‌ی 2 اساسنامه‌ی دادگاه سیرالئون بود (Prosecutor v. Issa Hassan Sesay & Kallon & Gbao). به این ترتیب می‌توان گفت بسیاری از اعمال قاچاقچیان در رابطه با قربانیان خود از مصادیق برده‌گیری به شمار می‌آید.

#### • فحش‌ای اجباری<sup>۱</sup>، هتک ناموس به عنف<sup>۲</sup> و سایر اشکال خشونت جنسی<sup>۳</sup>

اعمالی از جمله‌ی فحش‌ای اجباری، تجاوز به عنف و سایر اشکال خشونت جنسی نیز به موجب اساسنامه‌های مذکور در دسته‌ی جنایت علیه انسانیت قرار گرفته و جرم‌انگاری شده‌اند. اگرچه اساسنامه‌ی دیوان در بند 1 ماده‌ی 7 خود "فحش‌ای اجباری" را از انواع جنایت علیه انسانیت معرفی کرده است، اما تعریفی از آن ارائه نداده است. با این وجود، کمیسیون مقدماتی دیوان، عوامل سازنده‌ی جرم فحش‌ای اجباری را مانند سایر جرایم وجود دو شرط "تعرض و هجمه‌ی گسترده و سیستماتیک" و "علم و عمد متهم در ارتکاب گسترده و سیستماتیک این اعمال علیه یک جمعیت غیرنظامی" می‌داند. هم‌چنین، متهم باید با استفاده از زور و یا با تهدید به زور یا اجبار یا ترس از خشونت، دستگیری، اجبار روانی یا سوء استفاده از قدرت علیه قربانی یا اشخاص دیگر و یا با سوء استفاده از اجبار محیطی مانند عدم اهلیت قربانی برای اعلام رضایت موجبات این را فراهم آورد تا فرد یا افرادی در یکی از اعمال دارای ماهیت جنسی شرکت کنند و به این ترتیب منفعت مالی و یا غیرمالی برای متهم یا شخص دیگری به دست آید و یا انتظار به دست آوردن آن وجود داشته باشد (ICC, Elements of Crime). به این ترتیب برای ارتکاب این جرم وجود برقراری رابطه فیزیکی متهم با قربانی ضرورتی ندارد و در واقع متهم با سوء استفاده از موقعیت

۱. Enforced Prostitution

۲. Rape

۳. Sexual Assault

و شرایط امکان برقراری روابطی با ماهیت جنسی با قربانی برای افراد دیگر فراهم می کند و از طریق برای خود یا دیگری منفعتی کسب می کند یا انتظار دارد آن را به دست آورد. وجود این منفعت مادی یا انتظار به دست آوردن آن برای شخص عامل یا دیگری، مرز میان فحشای اجباری و برده‌داری جنسی را ترسیم می‌کند. در جرم قاچاق انسان نیز در موارد استثمار جنسی فرد قاچاقچی، واسطه یا دلال با در اختیار گذاشتن قربانی برای پاسخگویی به تمایلات جنسی مشتری، برای خود با دیگری کسب منفعت کرده و یا انتظار کسب آن را دارد.

"هتک ناموس به عنف" نیز در ماده‌ی 5 اساسنامه‌ی دادگاه یوگسلاوی سابق، ماده‌ی 3 اساسنامه‌ی دادگاه رواندا، ماده‌ی 7 اساسنامه‌ی دیوان و ماده‌ی 2 اساسنامه‌ی دادگاه سیرالئون در زمره‌ی جنایت بر ضد انسانیت قرار گرفته است. کمیسیون مقدماتی دیوان برای تحقق این جرم علاوه بر وجود دو شرط مشترک در جرایم دیگر، تعرض متهم به بدن و اندام تناسلی قربانی به وسیله اعضای بدن یا هر شی دیگری را ضروری می‌داند. هم چنین، متهم باید با استفاده از زور و یا با تهدید به زور یا اجبار یا ترس از خشونت، دستگیری، اجبار روانی یا سوء استفاده از قدرت علیه قربانی یا اشخاص دیگر و یا با سوء استفاده از اجبار محیطی مانند عدم اهلیت قربانی برای اعلام رضایت مرتکب این اعمال شود (Icc, Elements of Crime). خشونت جنسی نیز از مصادیق جنایت بر ضد انسانیت اعلام شده است. کمیسیون مقدماتی دیوان برای تشکیل عوامل سازنده‌ی این جرم در کنار وجود شروط مشترک، ضروری می‌داند مرتکب با استفاده از زور و یا با تهدید به زور یا اجبار یا ترس از خشونت، دستگیری، اجبار روانی یا سوء استفاده از قدرت علیه قربانی یا اشخاص دیگر و یا با سوء استفاده از اجبار محیطی مانند عدم اهلیت قربانی برای اعلام رضایت مرتکب اعمال دارای ماهیت جنسی شود و یا موجب درگیر شدن فرد یا افراد نامبرده در یک یا چند عمل با ماهیت جنسی شده باشد. هم چنین، لازم است مرتکب از شرایط و اوضاع و احوال عینی و وقایعی که باعث تشدید وخامت عمل مورد نظر شده است، آگاهی داشته باشد (Ibid). با بررسی سه جرم فوق، پیوند میان فحشای اجباری، هتک ناموس به عنف و خشونت جنسی با قاچاق انسان به خوبی نمایان می‌شود. در بسیاری از موارد قاچاقچیان برای تحقق اهداف خود و بهره‌برداری جنسی به طور گسترده و با هدف از پیش تعیین شده و با توسل به اجبار و یا سوء استفاده از موقعیت ضعیف قربانیان مرتکب تجاوز به عنف می‌شوند. زیرا با تجاوز جنسی و ازاله‌ی بکارت بسیاری از قربانیان راهی برای بازگشت به خانواده، قبیله یا اجتماع سنتی خود نخواهند داشت.

#### • زجر و آزار<sup>۱</sup>

یکی از موارد قابل بررسی دیگر، "جنایت بر ضد انسانیت" از نوع "زجر و آزار" است که عموماً در کنار افعال همراه با قاچاق انسان نیز قرار می‌گیرد. این عمل در ماده 6 منشور نورنبرگ، ماده 2 قانون شماره 10 شورای نظارت، ماده 5 منشور توکیو، ماده 5 اساسنامه دادگاه یوگسلاوی سابق، ماده 3 اساسنامه دادگاه رواندا، بند 1 ماده 7 اساسنامه دیوان و ماده 2 اساسنامه دادگاه سیرالئون از مصادیق "جنایت بر ضد

۱. Persecution

انسانیت" اعلام شده است. از نظر کمیسیون مقدماتی دیوان، "زجر و آزار" جنایتی است که علاوه بر وجود دو شرط مشترک در انواع جنایت بر ضد انسانیت، متهم فرد یا افرادی را به شدت از حقوق اساسی خود محروم کرده باشد و آن‌ها را به دلیل تعلق داشتن به گروه یا مجموعه‌ای از افراد شناخته شده مورد هدف قرار داده باشد. بعلاوه، این هدف گیری مبنای سیاسی، نژادی، مذهبی، ملی، فرهنگی، قومی یا جنسیتی داشته باشد و یا مبتنی بر دلایل و موقعیت‌هایی باشد که به موجب حقوق بین الملل ممنوع شده است. هم چنین، عمل صورت گرفته در ارتباط با جرایم احصا شده در ماده 7 اساسنامه دیوان و یا سایر جرایمی باشد که رسیدگی به آن‌ها در صلاحیت دیوان قرار دارد (ICC, Elements of Crime). به عبارت دیگر، زجر و آزار فعل یا ترک فعلی است مبتنی بر تبعیض که فرد یا افرادی را مورد زجر و آزار قرار می‌دهد و حقوق بنیادین فرد را نقض می‌کند. (کیتیچایساری، 1383: 219). به این ترتیب افعالی از جمله به بردگی گرفتن، هتک ناموس به عنف، برده‌داری جنسی که از جرایم احصا شده در جنایات علیه انسانیت می‌باشد بسیاری از حقوق بنیادین بشر را نقض می‌کند و هر یک به تنهایی می‌تواند عنوان زجر و آزار داشته باشد. علاوه بر این زمینه‌ی تبعیض‌آمیزی که منجر به این اعمال می‌شود عموماً فقر گروه‌های قومی، مذهبی، نژادی است و قربانیان این جرم را بیشتر زنان و دختران تشکیل می‌دهند اگرچه مردان و پسران نیز در برابر این عمل غیرانسانی مصون نیستند.

#### • اعمال غیر انسانی دیگر

به موجب منشور نورنبرگ، منشور توکیو، دادگاه یوگسلاوی و رواندا، اساسنامه‌ی دیوان بین‌المللی کیفری و اساسنامه‌ی دادگاه سیرالئون "دیگر اعمال غیرانسانی" نیز که تعمداً موجب ایراد رنج بزرگ یا صدمه‌ی جدی به تمامیت جسمانی و یا سلامت جسم و روان مجنی‌علیه گردد، در قلمرو "جنایت علیه بشریت" قرار گرفته است. همان گونه که بیان شد بسیاری از افعال همراه با قاچاق انسان از جمله بهره‌کشی جنسی و اقتصادی، آلوده به اعمال غیرانسانی است. قاچاقچیان، دلال‌ها، واسطه‌ها و مشتریان، قربانیان خود را برای تن دادن به خواسته‌های غیر انسانی خود به شدت شکنجه می‌کنند، کتک می‌زنند، مورد آزار و تجاوز قرار می‌دهند و آن‌ها چندین روز گرسنه نگه داشته و به مصرف مواد مخدر و مشروبات الکلی وادار می‌کنند (Deb, ۲۰۰۵: ۱۱۹). بنابراین می‌توان اعمال همراه با قاچاق انسان را که منجر به ایجاد صدمات شدید روانی و جسمانی نسبت به مجنی‌علیه می‌گردد، در دسته‌ی اعمال غیرانسانی دیگر نیز جرم‌انگاری کرد. بررسی موارد نامبرده بیانگر آن است که برده‌گیری، برده‌گیری جنسی، فحش‌ای اجباری، هتک ناموس به عنف، خشونت جنسی، زجر و آزار و سایر اعمال غیر انسانی که از اعمال همراه با قاچاق انسان است، بر اساس منشور نورنبرگ، قانون شورای نظارت آلمان، منشور توکیو، اساسنامه‌ی دادگاه یوگسلاوی سابق و دادگاه رواندا و هم چنین در اساسنامه‌ی دیوان بین‌المللی کیفری و دادگاه ویژه‌ی سیرالئون از "مصادیق جنایت بر ضد بشریت" و جرم اعلام شده است. کمیسیون مقدماتی دیوان بین‌المللی کیفری نیز به صراحت یکی از مصادیق "جنایت علیه انسانیت" را جرم "قاچاق انسان" بویژه کودکان و زنان دانسته است. به این

ترتیب می‌توان پدیده‌ی "قاچاق انسان" را در پرتو مفاد اساسنامه‌های نامبرده به عنوان یکی از مصادیق "جنایت بر ضد انسانیت" جرم‌انگاری کرد.

## ب- رکن مادی جنایت بر ضد انسانیت

در رابطه با رکن مادی جنایت بر ضد انسانیت، به عنوان دومین رکن تشکیل‌دهنده‌ی جرم به بررسی ماهیت رفتار مجرمانه، موضوع جرم، شخصیت بزه‌کار و بزه‌دیده و نتیجه‌ی مجرمانه می‌پردازیم.

### • ماهیت رفتار مجرمانه

بررسی اساسنامه‌های دادگاه‌های موردی و دیوان بین‌المللی کیفری، حاکی از این است که فعل "جنایت بر ضد انسانیت" رفتاری غیرانسانی است که به شکل "تعرض یا هجمه<sup>۱</sup> گسترده یا سازمان یافته" نسبت به اعضای جامعه غیر نظامی صورت می‌گیرد و سبب ایجاد رنج فراوان یا آسیب جدی به سلامت جسمانی یا روانی قربانی می‌گردد. در ماده‌ی 7 اساسنامه‌ی دیوان بین‌المللی، "تعرض یا هجمه" رویه‌ای رفتاری است که چندین جنایت بر ضد انسانیت در راستای سیاست یک دولت یا سازمان برای ارتکاب آن جنایات و یا در جهت پیشبرد آن صورت می‌گیرد. توجه به این نکته ضروری است که ارتکاب یکی از جرایم احصا شده در ماده‌ی 7 نیز برای تحقق "تعرض و هجمه" کفایت می‌کند و لازم نیست چندین جنایت متفاوت صورت گیرد. در این ماده تعریفی از "تعرض سازمان یافته یا گسترده" ارائه نشده است اما با توجه به رویه قضایی بین‌المللی تعرض گسترده، تعرض علیه تعداد بسیاری از قربانیان است در حالی که منظور از تعرض سازمان یافته، تعرضی است که به دنبال سیاست یا برنامه‌ای از پیش طراحی شده اعمال می‌گردد. به عبارت دیگر، حمله یا تعرض گسترده متشکل از افعال متعددی است که به صورت غیرسازمان یافته، نامنظم و غیرهماهنگ است که در راستای سیاستی با هدف ارتکاب جنایت علیه بشریت صورت می‌گیرد. در نتیجه ارتکاب جنایت بر ضد انسانیت می‌تواند حتی نسبت به یک قربانی صورت گیرد مشروط بر این که میان آن عمل و هجمه‌ی گسترده و سازمان یافته علیه جمعیت غیرنظامی رابطه‌ای وجود داشته باشد (کیتیچایساری، 1383: 187 و 188). حال باید بررسی کرد که جایگاه جرم قاچاق انسان در این میان چیست.

قاچاق انسان جرمی است که ارتکاب آن در سطوح محلی، ملی و فراملی امکان‌پذیر است. به این ترتیب موارد صورت‌گرفته قاچاق انسان در سطح محلی فاقد وصف تعرض و هجمه‌ی گسترده و یا سیستماتیک است اما مواردی که این جرم از مرزهای ملی فراتر می‌رود و کشورهای مختلفی را در بر می‌گیرد بدون شک دارای وصف گسترده و سیستماتیک می‌باشد. در نتیجه جرم قاچاق انسان در سطح فراملی عمل غیر انسانی همراه با رنج است که به صورت "گسترده و سیستماتیک" نسبت به مجنی‌علیه

۱. Attack

صورت می‌گیرد. به این ترتیب رکن مادی این جرم بر اساس جرم بین‌المللی جنایت علیه بشریت تکمیل می‌گردد.

تعرض یا هجمه می‌تواند به صورت فعل یا ترک فعل صورت گیرد. به عنوان نمونه در پرونده کامباندان نخست وزیر به دلیل خودداری از انجام وظایف خواسته شده از او مبنی بر حمایت از شهروندان غیرنظامی رواندا در برابر قتل عام، به ارتکاب جنایت بر ضد انسانیت محکوم شد (کیتیچایساری، 1383: 183).

به موجب اساسنامه‌ی دادگاه رواندا این فعل غیر انسانی باید "زمینه‌ی تبعیض آمیز ملی، سیاسی، قومی، نژادی یا مذهبی داشته باشد". برای ایجاد پیوند میان شرط "زمینه‌ی تبعیض آمیز ملی، سیاسی، قومی، نژادی یا مذهبی داشتن تعرض" و جرم قاچاق انسان، می‌توان آن را چنین تفسیر کرد. در بسیاری از موارد قربانیان قاچاق را افراد در معرض خطری تشکیل می‌دهند که متعلق به قبایل بسیار فقیر ساکن مناطق جغرافیایی خاص هستند. مانند قربانیان قاچاق در کشور هند که بیشتر به راجستان، ماهاراسترا، اتارپرداش، کارناتاکا و یا کشور نپال تعلق دارند (Georg, 2001: 5) و به این ترتیب زمینه تبعیض آمیز می‌تواند گاهی فقر گروه‌ها، قبایل، ملیت‌ها و پیروان مذهبی خاص باشد.

#### • موضوع جرم

همان طور که از عنوان "جنایت علیه بشریت" نمایان است، این جرم بین‌المللی افراد انسانی را مورد هدف قرار می‌دهد و در دسته‌ی جرایم علیه اشخاص به شمار می‌آید. با توجه به این که در برخی موارد جنایت بر ضد انسانیت محل امنیت داخلی و جوامع بین‌المللی نیز می‌باشد شاید بتوان آن را در دسته‌ی جرایم محل امنیت نیز به شمار آورد. در متن اساسنامه‌ها اشاره شده که تعرض یا هجمه نسبت به جمعیت غیرنظامی صورت گیرد اما بر اساس حقوق بین‌المللی عرفی، قربانیان جنایت بر ضد انسانیت می‌توانند افراد غیرنظامی و یا حتی نظامی باشند (کیتیچایساری، 1383: 184) این واژه در زمان جنگ شامل شهروندان و نظامیان مجروح، بیمار و ناتوان از جنگ بوده و در زمان صلح کلیه‌ی افراد جامعه را به جز کسانی که موظف به حفظ نظم عمومی هستند، در برمی‌گیرد. قربانیان جرم قاچاق انسان نیز افراد انسانی هستند که در زمان صلح یا جنگ در دام قاچاقچیان گرفتار می‌آیند. به این ترتیب موضوع جرم قاچاق انسان و جنایت بر ضد انسانیت هم‌پوشانی دارد.

#### • مرتکب جرم

به موجب ماده‌ی 7 اساسنامه‌ی دادگاه بین‌المللی کیفری ارتکاب جنایت علیه انسانیت توسط یک فرد، گروهی از افراد یا یک سازمان دولتی امکان‌پذیر است (میرمحمد صادقی، همان: 109). به عبارت دیگر عاملان جنایت بر ضد بشریت می‌توانند افراد دولتی و یا غیردولتی باشند مانند واحدهای سیاسی که کنترل یک منطقه را در دست دارند بی آن که مورد پذیرش جامعه بین‌المللی قرار گرفته باشند و یا گروه و سازمان‌های تروریستی و یا اعضای باندهای تبهکاری سازمان یافته (کیتیچایساری، 1383: 190) علاوه بر این در پرونده‌ی تادیچ در دادگاه بین‌المللی یوگسلاوی سابق نیز این مسئله مورد تأکید قرار گرفته است که جرایم علیه انسانیت می‌تواند به وسیله افراد عادی و سازمان‌های غیردولتی و باندهای تبهکاری نیز ارتکاب

باید (Tadic, Jurisdiction Decision, 1995). اگر جرم قاچاق انسان به وسیله افراد عادی و یا باندهای تبهکاری سازمان یافته صورت گیرد و در صورت اجتماع شرایط نامبرده پیشین می تواند با شرایط مندرج در اساسنامه های نامبرده هم پوشانی داشته باشد.

### ج- رکن روانی جنایت بر ضد انسانیت

به موجب بند 1 ماده 7 اساسنامه ی دیوان بین المللی کیفری ارتکاب جنایت بر ضد انسانیت باید همراه با علم به تعرض و هجمه صورت گیرد. از لحاظ رکن روانی مرتکب باید با علم و آگاهی به ارتکاب جرم جنایت ضد انسانیت اقدام نماید. به عبارت دیگر مرتکب باید علم واقعی داشته باشد که افعال او قسمتی از یک حمله ی سازمان یافته یا گسترده در راستای سیاست یا برنامه ای است که نسبت به جمعیت غیرنظامی صورت می گیرد. البته در قضیه ی بلاسکیک به این مسئله اشاره شده است که نیازی نیست آگاهی مرتکب از سیاست مجرمانه اثبات شود و صرف پذیرش عمدی خطر ارتکاب این جنایت برای تحقق رکن مادی کفایت می کند (کیتیچایساری، 1383: 180). انگیزه ی متهم نیز تأثیری در جنایت صورت گرفته ندارد و حتی اگر انگیزه ی صرفاً شخصی داشته باشد ولی عمل او با شرایط تحقق جنایت بر ضد انسانیت منطبق شود، باز هم به اتهام این جنایت قابل محاکمه و مجازات خواهد بود. (Tadic appeal s judgment paras: 255,268-270) در جرم قاچاق انسان نیز در صورتی که فرد یا افرادی عامداً و با علم به این که اعمال آنها بخشی از یک اقدام سازمان یافته است، در ارتکاب اعمالی از جمله نقل و انتقال، پنهان کردن، برده گیری، برده داری جنسی و غیره مشارکت و یا معاونت نمایند، رکن روانی جرم جنایت علیه انسانیت را تکمیل می کنند.

با بررسی رکن قانونی انواع جنایت بر ضد بشریت که همراه با قاچاق انسان صورت می گیرد و توجه به ارکان عمومی مادی و روانی جنایت بر ضد انسانیت اثبات می شود بسیاری از افعال همراه با قاچاق انسان از جمله برده گیری، برده داری جنسی، زجر و آزار و دیگر اعمال غیرانسانی، به موجب اساسنامه ی دادگاه های بین المللی موردی و دیوان بین المللی کیفری جرم شناخته شده است و در بسیاری از موارد جرم قاچاق انسان قابلیت انطباق با ارکان عمومی مادی و روانی جنایت علیه بشریت را دارد. در بسیاری از موارد قاچاق انسان، بویژه جرایمی که در سطح فراملی صورت می گیرد، قابلیت انطباق با شروط مندرج در اساسنامه های نامبرده از جمله "هجمه ی گسترده و سیستماتیک"، " مبنای تبعیض آمیز قومی، ملی، نژادی، جنسیتی" و "علم و عمد متهم در ارتکاب گسترده و سیستماتیک این جنایات علیه یک جمعیت غیرنظامی" را دارد.

### 2-3. پذیرش جهانی اسناد بین المللی

از دیگر نشانه های جهان شمول بودن اصول، قواعد و هنجارها پذیرفتن آنها در سطح بین المللی و ورود به سطوح قوانین داخلی است. می توان گفت جهانی شدن مبارزه با قاچاق انسان با امضای مقاله نامه بین المللی متوقف ساختن قاچاق برده های سفیدپوست، پاریس در سال 1904 م. به عنوان اولین سند بین المللی در



این زمینه پا به عرصه وجود گذاشت و تا کنون صد و هشت سال از این حرکت می‌گذرد. در این مدت اسناد و اعلامیه‌های بین‌المللی و منطقه‌ای بسیاری در زمینه‌ی مقابله با قاچاق انسان تهیه و توسط کشورها به تصویب رسیده است که در ذیل به برخی از آنها پرداخته می‌شود.

#### الف - مقاله نامه متوقف ساختن قاچاق برده‌های سفید پوست، 1904، پاریس:

این مقاله نامه با هدف متعهد ساختن کشورهای عضو به اتخاذ تدابیری در جهت ممانعت از خارج ساختن زنان و دختران برای فحشا به امضا رسیده است. (عبادی، 1372: 33) این مقاله‌نامه بیشتر بر تعهد دولت‌های عضو به پیشگیری از قاچاق زنان و کودکان تأکید داشته و تعریفی از قاچاق ارائه نکرده است. اگرچه اهداف مقاله نامه تلاش برای پیشگیری و ممانعت از خرید و فروش زنان و کودکان است، این اقدام جرم‌انگاری نشده و تنها دولت‌های عضو را ملزم به جرم‌انگاری در سطح ملی کرده است.

#### ب - کنوانسیون بین‌المللی ممانعت از قاچاق برده‌های سفیدپوست، 4 می، 1910 میلادی

جرم شناخته نشدن قاچاق زنان در مقاله‌نامه‌ی 1904 پاریس از تأثیر گذاری آن کاسته بود و در نتیجه در سال 1910 م. برای رفع این نقیصه اقدام بین‌المللی دیگری صورت گرفت. در ماده‌ی 1 کنوانسیون بین‌المللی 1910 م. هرکس برای لذت دیگری زن یا دختری را با هدف فسق اجیر، تطمیع و یا منحرف سازد باید مجازات شود، هرچند این اقدامات در کشورهای مختلف رخ داده باشد. از نکات مثبت این کنوانسیون نادیده‌گرفتن نقش عنصر رضایت زن در تحقق جرم است. این مقاله اهمیت قوانین ملی در قاچاق انسان را مورد تأکید قرار داده است. لزوم همکاری‌های بین‌المللی نیز مورد توجه قرار گرفته است، هرچند به استرداد مجرمان نپرداخته است. بر اساس بند ج، کنوانسیون تنها ناظر بر موضوع خرید و فروش یا فریب زنان با هدف استثمار جنسی است و به مسئله‌ی نگهداری اجباری زنان یا دختران در خانه‌های فساد توجهی نشده است. این کنوانسیون اگرچه جامع‌تر از مقاله‌نامه‌ی 1904 میلادی است اما کاستی‌هایی داشت و هم‌زمان شدن آن با جنگ اول جهانی نیز اجرای آن را معلق ساخت (فن گلان، 1379: 581)

#### ج - قرارداد بین‌المللی الغای خرید و فروش زنان و کودکان، 1921 میلادی

از نکات مورد توجه این قرارداد گسترش دامنه‌ی مشمولان است و عبارت عام "زنان" جایگزین "زنان سفیدپوست" شده است. در این سند جرم‌انگاری قاچاق زنان دوباره مورد تأکید قرار گرفت. در این سند برخلاف اسناد پیشین شروع به جرم قاچاق انسان نیز اقدامی مجرمانه اعلام شده است. مسئله‌ی استرداد مجرمان نیز در چارچوب همکاری‌های بین‌المللی مورد تأکید قرار گرفته است. اما فقدان سازوکارهای اجرایی مؤثر و مخالفت کشورهای استعمارگر با اعمال این قرارداد در مستعمره‌های خود چالش‌های بزرگی در پیش روی این قرارداد به شمار می‌آمد.

#### د- قرارداد مربوط به بردگی و کار اجباری، 1926 میلادی ژنو

با تأسیس جامعه‌ی ملل، مبارزه با برده‌داری و تجارت برده به این نهاد سپرده شد. در سال 1926 قرارداد بین‌المللی ژنو به تصویب رسید که در حقیقت آخرین اقدام بین‌المللی در مبارزه با برده‌داری است. به موجب این قرارداد دول عضو متعهد شدند اقدامات لازم برای منع خرید و فروش برده و برده‌داری به طور اعم را اتخاذ نمایند و کشورهای استعمارگر نیز این قوانین را به تدریج در مستعمرات خود به اجرا گذارند. در قرارداد 1926 مسئله‌ی کار اجباری نیز مورد توجه قرار گرفت و دولت‌های عضو متعهد شدند کار اجباری را تنها در موارد منافع عمومی و مجازات‌های حبس با اعمال شاقه بپذیرند.

#### ه- کنوانسیون بین‌المللی جلوگیری از قاچاق زنان **کبیر**، 1933 میلادی

در این کنوانسیون نیز اجیر، جلب و یا منحرف ساختن زنی برای شهوت‌رانی دیگری جرم انگاری شده است. نکته تمایز این کنوانسیون از اسناد دیگر قابلیت تسری مواد آن به کشورهای مستعمره، تحت الحمایه و تحت قیمومیت است. مسئله‌ی همکاری بین‌المللی در راستای مبارزه با قاچاق زنان نیز مورد توجه قرار گرفت. اما وقوع جنگ جهانی دوم در سال 1939 میلادی مانع از اجرای این کنوانسیون شد زیرا بسیاری از کشورهای عضو در جایگاه دول متخاصم به جنگ با یکدیگر برخاسته بودند.

#### و- کنوانسیون ممانعت از قاچاق اشخاص و بهره‌کشی از روسپی‌گری دیگران، 1949 میلادی

با پایان جنگ دوم جهانی و ظهور نهاد دائمی سازمان ملل متحد مسئله‌ی جهانی‌شدن مبارزه با قاچاق انسان بر عهده‌ی این نهاد قرار داده شد. کنوانسیون ممانعت از قاچاق اشخاص و بهره‌کشی از روسپی‌گری دیگران سازوکارهایی فراتر از اسناد پیشین ارائه نمی‌دهد و تأکیدی دوباره بر مفاد مندرج سابق آن‌ها است. نکته‌ی تازه کنوانسیون این است که دولت‌های عضو متعهد شدند اصلاحات آتی مورد نظر دبیر کل سازمان ملل متحد را نیز به تصویب رسانند. در این کنوانسیون قاچاق اشخاص با هدف بهره‌برداری جنسی و روسپی‌گری امری مغایر با شأن و کرامت انسانی معرفی شده و قوادی و یا تأمین مالی آگاهانه و یا مشارکت در تأمین مال این اماکن نیز جرم‌انگاری شده است. به همین دلیل بسیاری از کشورها از امضای این کنوانسیون ممانعت کردند. این کنوانسیون برخلاف مجرمانه شناختن قوادی، روسپی‌گری را مجرمانه نشناخته است (حسینی نژاد، 1373: 256) در ماده‌ی 1 این کنوانسیون با الهام از آموزه‌های اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر، اتباع یک کشور و افراد بیگانه‌ای که قربانی این جرم هستند به طور یکسان از حق دادخواهی و حمایت‌های حقوقی در روند دادرسی برخوردار خواهند بود. از نوآوری‌های کنوانسیون قابلیت استرداد در جرم بهره‌گیری از روسپی‌گری دیگری و قوادی و تأمین مالی اماکن مورد استفاده برای قوادی است، حتی در مواردی که معاهده‌ی استرداد دو جانبه نیز میان دولت‌های عضو وجود ندارد. بر اساس سند موجود قاچاقچیان انسان تنها در صورتی که از عواید روسپی‌گری قربانیان خود بهره‌مند شوند، قابل مجازات

هستند و در غیر این صورت متحمل مجازاتی نخواهند بود. علاوه بر این تنها قاچاق انسان برای بهره‌کشی جنسی مورد توجه قرار گرفته و سایر موارد قاچاق انسان از دایره‌ی شمول این سند خارج می‌باشد.

## ز- کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان، 1979 میلادی

یکی از نکات مورد توجه این کنوانسیون ممانعت از استثمار زنان به اشکال گوناگون است. به موجب این کنوانسیون دول عضو اقدامات مقتضی لازم از جمله وضع قوانین را برای جلوگیری از حمل و نقل غیرقانونی و بهره‌برداری از روسپی‌گری زنان به عمل خواهند آورد.

## ک- پروتکل الحاقی کنوانسیون مبارزه با جرایم سازمان یافته فراملی در زمینه‌ی پیشگیری، سرکوب و مجازات قاچاق اشخاص، بویژه زنان و کودکان (پالرمو 2000)

مجمع عمومی سازمان ملل متحد با تصویب قطعنامه‌ی 53/111 در سال 1998 برای تهیه‌ی کنوانسیون بین‌المللی مقابله با جرایم سازمان یافته فراملی به ایجاد کمیته‌ی دائمی ویژه‌ی بین حکومتی اقدام کرد. کنوانسیون جرایم سازمان یافته فراملی<sup>1</sup> و پروتکل‌های آن نمایانگر این بود که مقابله با جرایم فراملی از دغدغه‌های بین‌المللی است و مقابله با آن نیز نیازمند مشارکت جهانی است. پروتکل مبارزه با قاچاق پالرمو یکی از جامع‌ترین اسناد بین‌المللی مقابله با قاچاق انسان است و تا کنون 157 کشور رضایت خود را مبنی بر الزام به مفاد و تعهدات آن اعلام کرده و 117 کشور نیز با تصویب آن، ملزم به انجام مفاد و تعهدات ناشی از آن شده اند (Treaty Series, 2012: 319). این پروتکل در ماده‌ی 1، خود را مکمل کنوانسیون جرایم سازمان یافته فراملی معرفی کرده و تأکید می‌کند مفاد آن باید همراه با کنوانسیون تفسیر شود. در نتیجه هرگونه تفسیر مغایر با مفاد کنوانسیون نامبرده فاقد اثر و باطل خواهد بود. یکی از دلایل این که چنین سند مهمی به صورت پروتکل و ملحق به کنوانسیون جرایم سازمان یافته فراملی تهیه می‌شود نیز دلیلی گویا بر این است که به اعتقاد بیشتر اعضای جامعه‌ی جهانی جرم قاچاق انسان در بسیاری از موارد به صورت سازمان یافته و خارج از مرزهای ملی صورت می‌گیرد و در حقیقت در زمره‌ی جرایم سازمان یافته فراملی قرار دارد. اگرچه این پروتکل به طور مستقیم قاچاق انسان را جرم سازمان یافته معرفی نکرده اما در ماده‌ی 4 آن عنوان شده است: "این پروتکل برای پیشگیری، تحقیق و تعقیب جرایم مندرج در ماده‌ی 5 برقرار می‌شود در مواردی که ماهیت فراملی داشته و توسط یک گروه جنایتکار سازمان یافته صورت گرفته باشد...". به موجب ماده‌ی 2 کنوانسیون جرایم سازمان یافته، گروه جنایتکار سازمان یافته گروهی ساختاریافته و متشکل از بیش از سه نفر است که با هدف کسب منفعت مالی و مادی به روش مستقیم یا غیر مستقیم مرتکب جنایات شدید می‌شوند. بر اساس ماده‌ی 2 کنوانسیون "جرم شدید" جرمی اعلام شده که دارای مجازات 4 سال حبس و بیشتر باشد. برخی از اهداف این پروتکل عبارتند از: جلوگیری از قاچاق

۱. Convention Against transnational Organized Crime

زنان، اتخاذ تدابیری جهت سرکوبی این جرم، الزام دول عضو به جرم انگاری قاچاق زنان در قوانین ملی. همان گونه که پیش از این اشاره شد پروتکل، تعریفی از قاچاق انسان ارائه نموده است و رضایت شخص بزه‌دیده نسبت به بهره‌کشی مورد نظر پروتکل را در مجرمانه دانستن عمل فاقد تأثیر می‌داند. حمایت از حریم خصوصی بزه‌دیدگان، ارائه‌ی خدمات حقوقی، دسترسی به دادرسی، کمک دولت‌ها در بهبود روانی، جسمانی و اجتماعی قربانیان، جبران خسارت و بازگرداندن قربانی‌ها به کشورهای مبدأ، همکاری‌های دو یا چندجانبه برای کاهش عوامل آسیب‌زا در قاچاق زنان از جمله فقر، توسعه‌نیافتگی و فقدان فرصت‌های برابر نیز از سایر موارد ذکر شده در این پروتکل است.

### گ- سایر اسناد بین‌المللی

سایر اسناد بین‌المللی که به نوعی به مسئله‌ی قاچاق انسان و یا اعمال همراه با آن پرداخته‌اند عبارتند از: اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر (1948م.) سازمان ملل متحد، قرارداد تکمیلی منع بردگی و برده‌فروشی و عملیات و دستگاه‌های مشابه بردگی (1956 م.)، کنوانسیون رضایت برای ازدواج، حداقل سن برای ازدواج و ثبت ازدواج (1962 م.)، کنوانسیون 1965 میلادی لاهه در زمینه‌ی فرزندخواندگی، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (1966 م.) سازمان ملل متحد، مقاله‌نامه‌ی 138 (1973 م.) سازمان بین‌المللی کار (ILO) در زمینه‌ی حداقل سن، کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان (1979 م.) سازمان ملل متحد، کنوانسیون حقوق کودک (1989م.) سازمان ملل متحد، اعلامیه‌ی رفع خشونت علیه زنان (1993 م.) سازمان ملل متحد، کنوانسیون 1993 میلادی لاهه در زمینه‌ی حمایت از کودکان و همکاری در زمینه‌ی فرزندخواندگی میان کشورها، چهارمین کنفرانس جهانی زنان (1995 م.) پکن، پروتکل اختیاری کنوانسیون رفع همه اشکال خشونت علیه زنان (1999 م.) سازمان ملل متحد، مقاله‌نامه‌ی 182 (1999م.) سازمان بین‌المللی کار (ILO)، در زمینه‌ی بدترین اشکال کار کودک، پروتکل الحاقی کنوانسیون مبارزه با جرایم سازمان یافته فراملی در زمینه‌ی پیشگیری، سرکوب و مجازات قاچاق اشخاص، بویژه زنان و کودکان (پالرمو 2000) سازمان ملل متحد. به موجب ماده‌ی 3-3 منشور نورنبرگ، ماده 3-5 منشور توکیو، ماده 3-5 دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق، ماده‌ی 3-3 اساسنامه‌ی دادگاه کیفری بین‌المللی برای رواندا و ماده‌ی 7(2)C اساسنامه‌ی دادگاه کیفری بین‌المللی، "به بردگی گرفتن" به عنوان یکی از مصادیق جنایت علیه بشریت اعلام و ممنوع شده است.

### 4- تأثیر جهانی‌شدن بر سیاست جنایی تقنینی ایران

اقدامات بین‌المللی صورت‌گرفته در مقابله با قاچاق انسان و امضا و تصویب آن به وسیله‌ی کشورهای جهان و جرم‌انگاری این پدیده با توجه به مندرجات اساسنامه‌ی دیوان بین‌المللی کیفری دلایلی محکم بر جهانی‌شدن این مقابله است. روند جهانی‌شدن بدون توجه به تمایل یا عدم تمایل دولت‌ها، بر وضعیت حقوقی و سیاسی کشورها تأثیر خواهد گذاشت. این تأثیر بر سیاست جنایی تقنینی ایران چه بوده است؟

در این جا هدف تنها بررسی تأثیرات جهانی شدن مقابله با قاچاق انسان بر قوانین جزایی است و بسط و توضیح قوانین در این مدخل نمی‌گنجد. سیاست جنایی هر کشور نمایانگر ارزش‌های مورد حمایت جامعه و راه‌های صیانت از آن است و قانون مجازات مصداق بارز و عملی آن است. مراجعه به این قانون در دهه‌های اخیر حاکی از این است که مسئله‌ی قاچاق انسان در قالب استثمار جنسی از مدت‌ها پیش متأثر از جامعه‌ی جهانی، مورد توجه قانون‌گذار بوده است. ایران همگام با جامعه‌ی جهانی اسناد 1904، 1910، 1921 و 1933 میلادی سازمان ملل متحد را در دوران پیش از انقلاب اسلامی به تصویب رسانید و در راستای اجرای آن‌ها نیز قوانینی وضع کرد. از آن جمله می‌توان به برخی از مواد قانون مجازات عمومی 1304 اشاره کرد. بر اساس ماده‌ی 209 این قانون، ربودن و یا مخفی کردن کودکان 15 ساله و یا کمتر از 15 سال برای عمل منافی عفت و یا ازدواج جرم و قابل مجازات اعلام کرد و رضایت بزه‌دیده را در تحقق این جرم فاقد تأثیر دانست. در قسمتی دیگر از این ماده آمده است هر کس به عنف یا تهدید و یا حيله اطفال کمتر از 18 سال را برای عمل منافی عفت یا برای وادار کردن به عمل مزبور برباید و یا مخفی نماید به 5 سال حبس محکوم خواهد شد. به موجب بند ب همین ماده نیز هر کس به عنف یا تهدید و یا حيله شخصاً و یا به وسیله‌ی دیگری اطفال اناث کمتر از 18 سال تمام را برای ازدواج با آن‌ها برباید یا مخفی کند به حبس تأدیبی سه سال محکوم خواهد شد.

قانون‌گذار چند سال پس از توصیه‌ی کمیته‌ی شورای جامعه‌ی ملل مبنی بر وضع قوانینی با هدف جرم‌انگاری تسهیل فحشا زنان و قوادی، ماده‌ی 211 قانون مجازات عمومی سال 1352 را تصویب کرد و به این ترتیب قوادی، واسطه‌گری در فحشا و دایر نمودن روسپی‌خانه را جرم و قابل مجازات اعلام نمود. بر اساس این ماده کسی که عادتاً افراد کمتر از 18 سال را به فساد اخلاق و شهوترانی تشویق کرده و یا آن را تسهیل کند، برای شهوترانی غیر ببرد و یا او را وادار به رفتن کند و یا او را برای این مقصد اجیر کند و یا افراد ذکور و اناث را به اعمال منافی عفت وادار یا وسایل ارتکاب آن را فراهم سازد، قوادی کند، فاحشه‌خانه‌ای را دایر کند و یا زنی را برای شهوترانی غیر اجیر نماید به حبس تأدیبی از 6 ماه تا 3 سال و به تأدیه‌ی غرامت از 250 تا 5000 ریال محکوم می‌شود. این ماده به مفاد کنوانسیون 1949 میلادی سازمان ملل متحد پاسخ مثبت داده است و کلیه‌ی مفاد آن از جمله مقابله با بهره‌کشی از روسپی‌گری دیگران و قاچاق زنان به خارج از کشور با هدف استثمار جنسی را پوشش می‌دهد، اما در عمل هرگز به اجرا درنیامد (اشتری، 1385: 207). بر اساس ماده‌ی 213 این قانون هرکس درآمد حاصل از فحشای زنی را وسیله‌ی تمام یا قسمتی از معیشت خود قرار دهد به حبس تأدیبی از 6 ماه تا 3 سال محکوم خواهند شد. هرکس زنی را با علم به این که آن زن در خارج از کشور به شغل فاحشگی مشغول خواهد شد، برای رفتن به خارج تشویق کند و یا مسافرت او را تسهیل کند و یا او را با رضایت خودش به خارج از کشور ببرد و یا برای رفتن اجیر کند نیز به حبس تأدیبی از یک تا سه سال محکوم خواهد شد. این ماده قوادی، واسطه‌گری در فحشا و دایر نمودن روسپی‌خانه را جرم و قابل مجازات اعلام کرد. این مواد صراحتاً به

مسئله‌ی قاچاق انسان نپرداخته اند، اما متن آن حکایت از موضوع قاچاق انسان با هدف بهره‌کشی جنسی دارد. در این ماده به مسئله‌ی فراملی بودن نقل و انتقال قربانیان قاچاق و بی‌تأثیر بودن رضایت بزه‌دیده در تحقق جرم اشاره شده است که کنوانسیون پالمو که سال‌ها بعد منعقد شد، شباهت‌هایی با آن دارد.

قانون تشدید مجازات ربایندگان اشخاص مصوب اسفند ماه سال 1353 از دیگر اقدامات قانون‌گذار است که در زمینه‌ی قاچاق انسان نیز قابل استناد است. این قانون یکی از کامل‌ترین قوانین در زمینه‌ی حمایت تشدید از اطفال در قوانین پیش از انقلاب است که در راستای اقدامات هماهنگ با جامعه‌ی بین‌الملل صورت گرفت. این قانون کودکان را با دسته‌بندی به اطفال کمتر از 12 سال تمام، اطفال بین 12 و 15 سال تمام، اطفال کمتر از 15 سال تمام و اطفال 15 سال تمام مورد حمایت تشدید قرار داده است. این قانون ربودن افراد با هدف اخذ وجه، مال، انتقام و یا هر قصد سوء دیگر جرم شناخته شده و مستوجب مجازات اعلام کرده است. قانون‌گذار سن مجنی‌علیه را از عوامل تشدید مجازات دانسته است و در صورتی که سن مجنی‌علیه کمتر از 15 سال تمام باشد، مجازات مرتکب را از حبس جنایی درجه‌ی 2 از 2 تا 10 سال به حبس جنایی درجه 1 از 3 تا 15 سال افزایش داده است. هتک ناموس و ایراد صدمات حیثیتی به کودکان نیز جرم شناخته می‌شود.

پس از انقلاب اسلامی قانون مجازات اسلامی جایگزین قانون مجازات عمومی گردید. قانون‌گذار به جرایم و مجازات‌ها از زاویه‌ای دیگر نگریست و با توجه به حرمت جرایم جنسی، بدون تصریح به قاچاق انسان و فارغ از توجه به جنبه‌های گوناگون آن صرفاً مقابله با استثمار جنسی را مورد توجه قرار داد. از آن جمله می‌توان به ماده‌ی 639 قانون مجازات اسلامی سال 1375 اشاره کرد. افرادی که مرکز فساد یا فحشا دایر یا اداره کنند، مردم را به فساد یا فحشا تشویق نموده یا موجبات آن را فراهم نمایند، به حبس از 1 تا 10 سال محکوم می‌شوند. این ماده تنها در مورد قاچاق انسان با هدف استثمار جنسی قابل اعمال است و مصادیق دیگر استثمار اقتصادی از جمله کار اجباری، کار سخت خانگی، تکدی‌گری، قاچاق اعضا بدن و سایر اهداف غیراخلاقی و مجرمانه را در بر نمی‌گیرد.

ایران با پیوستن به کنوانسیون حقوق کودک در سال 1372 و به موجب ماده‌ی 34 خود را متعهد کرد تا برای حمایت از کودکان در برابر انواع استثمار جنسی و اقتصادی، اقدامات ملی و دو یا چند جانبه اتخاذ نماید. هم‌چنین، یک بار دیگر متأثر از اقدامات بین‌المللی در مقابله با قاچاق کودکان هم‌جهت شد و قانون تصویب کنوانسیون ممنوعیت و اقدام فوری برای محو بدترین اشکال کار کودک و توصیه‌های مکمل آن را در سال 1380 تصویب و بدترین اشکال کار کودک را مواردی از جمله بردگی، خرید و فروش و قاچاق کودک، استفاده از کودک برای فحشا معرفی کرد. قانون‌گذار با الهام از کنوانسیون حقوق کودک و محو بدترین اشکال کودک، قانون حمایت از کودکان و نوجوانان را وضع کرد. به موجب ماده‌ی 3 این قانون هرگونه خرید و فروش، بهره‌کشی و به کارگیری کودکان به منظور ارتکاب اعمال خلاف از قبیل قاچاق

ممنوع و مرتکب حسب مورد علاوه بر جبران خسارات وارده به 6 ماه تا 1 سال زندان و یا به جزای نقدی از 10 میلیون ریال تا 20 میلیون ریال محکوم خواهند شد. با توجه به آثار زیانبار و در بسیاری از موارد جبران‌ناپذیر این جرم بر قربانی قاچاق و جامعه، مجازات پیش‌بینی‌شده شدت لازم را ندارد.

افزایش قاچاق انسان در جهان منجر به نگرانی بیشتر جامعه‌ی بین‌المللی و اتخاذ اقدامات ملی و فراملی گوناگونی شد. مجلس شورای اسلامی نیز متأثر از نگرانی‌ها و تلاش‌های بین‌المللی و در کنار گزارش چندین مورد قاچاق انسان در ایران، در سال 1383 قانون هشت ماده‌ای "مبارزه با قاچاق انسان" را تصویب کرد. اگر چه ایران تا آگوست سال 2012 م. پروتکل پیش‌گیری، سرکوب و مجازات قاچاق اشخاص و بویژه زنان و کودکان سال 2000 م. سازمان ملل متحد را امضا و تصویب نکرد اما قانون‌گذار با الهام از پروتکل نامبرده و تحت تأثیر آن قاچاق انسان را خارج یا وارد ساختن و یا ترانزیت مجاز یا غیرمجاز فرد یا افراد از مرزهای کشور به اجبار و اکراه یا تهدید یا خدعه و نیرنگ و یا با سوء استفاده از قدرت یا موقعیت خود یا سوء استفاده از وضعیت فرد یا افراد یاد شده با هدف فحشا یا برداشت اعضا و جوارح، بردگی و ازدواج تعریف کرد. تحویل گرفتن یا انتقال دادن یا مخفی نمودن یا فراهم ساختن موجبات اختفای فرد یا افراد مذکور پس از عبور از مرز با اهداف نامبرده نیز در این تعریف قرار می‌گیرد. با وجود این که قانون مذکور در مقایسه با مقررات و قوانین پیشین نگاهی جامع‌تر دارد و دربرگیرنده‌ی مصادیق قاچاق با هدف استثمار اقتصادی و جنسی و مقاصد غیرجنسی از جمله ازدواج و قاچاق اعضای بدن نیز می‌باشد، اما مصادیق دیگر از جمله قاچاق با هدف فرزندخواندگی و یا شرکت کودکان در جنگ و درگیری‌های مسلحانه را دربرنمی‌گیرد. این قانون باز هم متأثر از پروتکل قاچاق سال 2000 پالرمو تنها قاچاق انسان را در مرزهای فراملی مورد توجه قرار داده و تنها موارد قاچاق انسان را که با عبور از مرز (به صورت خروج از مرز و یا ورود به آن) صورت می‌گیرد، پوشش می‌دهد و به مواردی که این جرم درون مرز کشور و از یک منطقه به منطقه‌ی دیگر صورت می‌گیرد، بی‌توجهی کرده است. اگر چه قانون قاچاق انسان مصوب سال 1383 ه.ش. در زمینه‌ی مبارزه با قاچاق انسان و بویژه کودکان، گامی به جلو است اما در این قانون علاوه بر ایرادات بالا، خلأهایی به چشم می‌خورد که قابل اغماض نمی‌باشد. قانون‌گذار در سال 1386 نیز به منظور همراهی با جامعه‌ی بین‌المللی قانون الحاق دولت ایران به پروتکل اختیاری کنوانسیون حقوق کودک در خصوص فروش، فحشا و هرززه نگاری کودکان (2000 م.) را به تصویب رسانید و موارد گوناگونی از جمله استثمار جنسی و فروش کودک برای بهره‌برداری جنسی، کار اجباری و برداشتن اندام‌ها را ممنوع اعلام کرد. برای بررسی میزان تأثیر گذاری پروتکل پیشگیری و سرکوب قاچاق پالرمو بر قانون مبارزه با قاچاق انسان به عنوان قانون مرجع در جرم قاچاق انسان در ایران به بررسی ارکان مادی و روانی این جرم پرداخته می‌شود.

## ارکان جرم قاچاق انسان بر اساس قانون مبارزه با قاچاق انسان

### 1- رکن مادی

از منظر حقوق جزا برای تحقق هر جرمی تحقق سه رکن قانونی، مادی و روانی ضروری است. برخی از مهم‌ترین عناصر رکن مادی عبارتند از: ماهیت رفتار مجرمانه، موضوع جرم، وسیله‌ی مجرمانه، شخصیت بزه‌کار و بزه‌دیده و نتیجه‌ی مجرمانه.

#### • ماهیت رفتار مجرمانه

جرم قاچاق انسان به صورت فعل مادی مثبت صورت می‌گیرد و در برگیرنده‌ی استخدام، حمل و نقل، پناه دادن یا تحویل گرفتن اشخاص با هدف بهره‌کشی است که می‌تواند به صورت بهره‌کشی جنسی، کار یا ارائه‌ی خدمات اجباری، بردگی یا رویه‌های مشابه بردگی، بیگاری یا برداشتن اندام‌های بدن باشد. این اعمال با توسل به زور یا دیگر اشکال اجبار و تحمیل، آدم‌ربایی، تقلب، فریب، سوء استفاده از قدرت یا تطمیع فردی که بر شخص دیگر کنترل دارد، صورت می‌گیرد. بر اساس ماده یک قانون مبارزه با قاچاق انسان مصوب 1383 قاچاق انسان با افعال مثبت مادی خارج یا وارد ساختن و یا ترانزیت مجاز یا غیرمجاز فرد یا افراد از مرزهای کشور، تحویل گرفتن یا انتقال دادن یا مخفی نمودن یا فراهم ساختن موجبات اختفای فرد یا افراد مذکور پس از عبور از مرز با توسل به اجبار و اکراه یا تهدید یا خدعه و نیرنگ و یا با سوء استفاده از قدرت یا موقعیت خود یا سوء استفاده از وضعیت فرد یا افراد یاد شده با هدف فحشا یا برداشت اعضا و جوارح، بردگی و ازدواج تعریف کرده است.

#### • موضوع جرم

قانون نامبرده کلیه آحاد جامعه را مورد حمایت قرار داده است. برای کودکان نیز حمایت افتراقی فراهم شده است. در تبصره 1 ماده 3 این قانون در صورتی که بزه دیده کمتر از 18 سال سن داشته باشد از موجبات تشدید مجازات عنوان شده است. در تبصره‌ی نامبرده نیز قانون‌گذار قاچاق انسان را محاربه دانسته که از مصادیق جرایم علیه امنیت ملی می‌باشد.

#### • وسیله‌ی مجرمانه

به موجب قانون مذکور حمل و نقل از هر راهی و با هر وسیله‌ای که صورت گیرد تأثیری بر ارتکاب جرم و یا شدت مجازات ندارد.

#### • شخصیت بزه‌کار و بزه‌دیده

بر اساس ماده‌ی 4، جنسیت و تابعیت بزه‌کار و بزه‌دیده تأثیری بر وقوع جرم ندارد. اما در صورتی که فردی وظیفه سرپرستی و یا مراقبت از دیگری را داشته و از این موقعیت برای ارتکاب جرم نامبرده سوء استفاده کند، از عوامل تشدید مجازات به شمار می‌آید. داشتن سمت دولتی نیز عامل تشدید مجازات بزه‌کار معرفی شده است.

#### • نتیجه‌ی مجرمانه



جرم قاچاق انسان با انجام عمل مادی مثبت صورت گرفته، در دسته‌ی جرایم مطلق قرار دارد و به محض وارد ساختن و یا ترانزیت غیرمجاز، تحویل‌دادن یا گرفتن و یا مخفی‌کردن یا فراهم‌کردن موجبات اختفا قربانی محقق شده و نیازمند حصول اهداف مذکور در این بزه نیست.

## 2- رکن روانی

جرم قاچاق انسان از جمله جرایم عمدی است و علاوه بر قصد انجام فعل مجرمانه نیازمند قصد تحقق نتیجه‌ی مجرمانه نیز می‌باشد. سوء نیت عام بزه‌کار قصد او در انتقال دادن یا تحویل گرفتن، اختفا و یا فراهم کردن موجبات اختفای بزه‌دیده پس از عبور از مرز است. سوء نیت خاص، هم‌چنین قصد بهره‌کشی جنسی از بزه دیده، برداشت اعضا و جوارح بدن، به بردگی کشاندن و ازدواج است. در صورتی که بزه قاچاق انسان به صورت سازمان یافته صورت گیرد، رضایت بزه‌دیده در تحقق آن فاقد تأثیر است. بررسی حاکی از این است که میان ارکان جرم قاچاق انسان بر اساس قانون مبارزه با قاچاق انسان و پروتکل پالرمو شباهت‌ها و تطابق بسیاری وجود داشته و تأثیرپذیری این قانون از پروتکل نامبرده بسیار زیاد بوده است.

ممکن است جهانی‌شدن حقوق کیفری تأثیرگذاری ناخواسته و غیرمستقیم بر وضعیت حقوقی و سیاسی کشورها داشته باشد. روند جهانی‌شدن با تشکیل دیوان بین‌المللی کیفری و پذیرش آن توسط بسیاری از کشورها به جایگاه مهمی دست یافته است. اصل صلاحیت تکمیلی و تقدم صلاحیت ملی برای تعقیب و محاکمه جرایم مندرج در اساسنامه‌ی دیوان تا زمانی مطرح است که دولت‌ها تمایل و یا توانایی این امر را داشته باشند. در صورتی که دولتی جرایم مندرج در دیوان را در قوانین خود جرم‌انگاری نکرده و در این زمینه همکاری شایسته نداشته باشد، دیوان می‌تواند آن را عدم تمایل یا ناتوانی در تعقیب و محاکمه تفسیر کرده و صلاحیت دیوان به اجرا گذاشته شود. ایران به اساسنامه ملحق نشده و از مشارکت در سیستم عدالت کیفری بین‌المللی دوری گزیده است و به این ترتیب در مبارزه با این جرم بین‌المللی خود را از تجربیات و کمک‌های یک مرجع بین‌المللی کیفری محروم ساخته است. علاوه بر این عدم الحاق به اساسنامه دیوان به منزله انکار واقعیت‌های حقوق بین‌الملل است که می‌تواند به تضعیف جایگاه حقوقی ایران در جامعه بین‌المللی بیانجامد.

## نتیجه گیری

به بردگی گرفتن انسان‌ها ریشه‌ی بسیار عمیق در تاریخ مدون بشریت دارد. تصور نمی‌شد این رسم دیرینه پایان پذیرد، اما سرانجام در پرتو مبارزه بسیار طولانی مصلحان اجتماعی و انسان‌های در جستجوی آزادی و کرامت انسانی این نهاد، در حدود صد سال پیش ملغی گردید. با این وجود جلوه‌ی نوین برده‌داری در قالب قاچاق انسان بی‌هراس از مرزها، گسترش فزاینده‌ای یافته است.

اقدامات بین‌المللی بسیاری در زمینه‌ی مبارزه با این جرم بین‌المللی صورت گرفته است و از آن جمله می‌توان به کنوانسیون بین‌المللی ممانعت از قاچاق بردگان سفیدپوست (4 می 1910 م.)، قرارداد بین‌المللی الغای خرید و فروش زنان و کودکان (1921 م.)، قرارداد مربوط به بردگی و کار اجباری (1926 م.) در ژنو، کنوانسیون بین‌المللی جلوگیری از قاچاق زنان **کبیر** (1933 م.)، کنوانسیون ممانعت از قاچاق اشخاص و بهره‌کشی از روسپی‌گری دیگران (1949 م.)، کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان (1979 م.)، پروتکل الحاقی کنوانسیون مبارزه با جرایم سازمان یافته فراملی در زمینه‌ی پیشگیری، سرکوب و مجازات قاچاق اشخاص بویژه زنان و کودکان (پالرمو 2000) اشاره نمود. تشکیل دادگاه‌های بین‌المللی موردی و دیوان بین‌المللی کیفری و پذیرش اساسنامه‌ی آن توسط بسیاری از کشورها روند جهانی‌شدن حقوق کیفری را تحکیم بخشید. جنایات بین‌المللی بسیاری در قالب چهار دسته در صلاحیت رسیدگی این مرجع قضایی قرار گرفت که "جنایت علیه انسانیت" یکی از آنها می‌باشد. این جنایت به اشکال گوناگونی از جمله به بردگی‌کشاندن، برده‌داری جنسی، فحشا اجباری، هتک ناموس به عنف، خشونت‌های جنسی، زجر و آزار و دیگر اعمال غیرانسانی صورت می‌گیرد که در بسیاری از موارد اعمال همراه با قاچاق انسان از مصادیق بارز آن به شمار می‌آید. قاچاق انسان توسط دیوان بین‌المللی کیفری جرم انگاری شده و سه رکن قانونی، مادی و روانی سازنده‌ی آن بر اساس ارکان جرم جنایت بر ضد انسانیت قابلیت تشکیل دارد. به این ترتیب می‌توان ادعا کرد مقابله با قاچاق انسان جهانی شده است.

سیاست جنایی تقنینی ایران نیز با پیوستن به برخی معاهدات و اقدامات جهانی و الحاق، تصویب و پذیرش آنها از یک سو و تصویب قوانین و مقررات در راستای عملی‌ساختن تعهدات ناشی از آن از سوی دیگر متأثر از جهانی شدن این مقابله بوده است. اسناد 1904، 1910، 1921 و 1933 و 1949 م. سازمان ملل متحد در دوران پیش از انقلاب اسلامی در ایران به تصویب رسید و قوانینی در راستای اجرای آنها تهیه و تصویب شد. ایران با پیوستن به کنوانسیون حقوق کودک در سال 1372 و به موجب ماده‌ی 34 خود را متعهد کرد تا برای حمایت از کودکان در برابر انواع استثمار جنسی و اقتصادی، اقدامات ملی و دو یا چند جانبه اتخاذ نماید. هم چنین، یک بار دیگر متأثر از اقدامات بین‌المللی در مقابله با قاچاق کودکان هم‌جهت شد و قانون تصویب کنوانسیون ممنوعیت و اقدام فوری برای محو بدترین اشکال کار کودک و توصیه‌های مکمل آن را در سال 1380 تصویب و بدترین اشکال کار کودک را مواردی از جمله بردگی، خرید و فروش و قاچاق کودک، استفاده از کودک برای فحشا معرفی کرد. قانون‌گذار با الهام از کنوانسیون حقوق کودک و محو بدترین اشکال کودک، قانون حمایت از کودکان و نوجوانان را وضع کرد و متأثر از نگرانی‌ها و تلاش‌های بین‌المللی در سال 1383 قانون 8 ماده‌ای "مبارزه با قاچاق انسان" را تصویب کرد. اگر چه ایران تا آگوست سال 2012 م. پروتکل پیش‌گیری، سرکوب و مجازات قاچاق اشخاص و بویژه زنان و کودکان سال 2000 م. سازمان ملل متحد را امضا و تصویب نکرد اما قانون‌گذار با الهام از پروتکل نامبرده و تحت تأثیر آن به تعریف قاچاق انسان پرداخت و تنها موارد قاچاق انسان را که با عبور از مرز صورت می‌گیرد، پوشش داد و به مواردی که این جرم درون مرز کشور و از یک منطقه به منطقه‌ی دیگر صورت می‌گیرد، بی‌توجهی کرد. ایران به اساسنامه‌ی دیوان ملحق نشده است و به این ترتیب

یکی از واقعیت‌های حقوق بین‌الملل را نادیده گرفته است. به این ترتیب در این مبارزه‌ی بین‌المللی خود را از همکاری مرجع کیفری بین‌المللی محروم ساخته و جایگاه حقوقی خود را در جامعه‌ی بین‌الملل تضعیف کرده است.

در یک جمع بندی می‌توان گفت تهیه و تصویب اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای و پذیرش آن‌ها در سطح بین‌المللی از یک سو و تلاش دولت‌ها در جهت اجرای تعهدات ناشی از الحاق به اسناد و ورود اصول و مواد پذیرفته شده به قوانین داخلی از سوی دیگر و جرم‌انگاری اعمال همراه با قاچاق انسان توسط یک مرجع قضایی بین‌المللی بیانگر جهانی‌شدن مبارزه با قاچاق انسان است. متأسفانه برخلاف وجود همکاری‌های بین‌المللی و اقدامات دولت‌ها در سطح ملی، قاچاق انسان رشد فزاینده، سود سرشار و متقاضیان بسیار دارد و هم‌چنان موجب نگرانی جامعه‌ی بین‌المللی است. آیا می‌توان دلیل این افزایش را در عواملی از جمله ناکارآمدی و یا ضعف اسناد مذکور، فقدان تمایل دولت‌مردان در مبارزه با قاچاق انسان، عدم ایفای تعهدات دولت‌های عضو، عدم تخصیص بودجه‌ی کافی، عدم وضع قوانین جامع و کارآمد، جهانی‌شدن فقر و توسعه نیافتگی برخی جوامع دانست؟ بررسی درستی این فرضیات در این مقال نمی‌گنجد و نیاز به نوشتاری دیگر است.

## یادداشت‌ها

1. Protocol to prevent, suppress and punish trafficking in persons, especially women and children, supplementing to united nations convention against transnational organized crime, (Palermo 2000)
2. South Asian Association for regional Cooperation( SAARC) convention on preventing and combating trafficking in women and children for prostitution 1997

## منابع و مأخذ

ایمانی، عباس (1386)، "فرهنگ اصطلاحات حقوق کیفری"، چ دوم، تهران، انتشارات نامه‌ی هستی.  
اشتری، بهناز (1385)، "قاچاق زنان، بردگی معاصر"، تهران، نشر میزان.  
پرادل، ژان (بی‌تا)، "به دنبال جهانی‌شدن حقوق کیفری"، ترجمه‌ی محمد مهدی ساقیان، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.

توحیدی فرد، محمد (زمستان 1380)، "فرآیند جهانی شدن حقوق کیفری"، مجله‌ی مدرس علوم انسانی، ش 214.

دلماش مارتی، میری (1378)، "جهانی شدن حقوق: فرصت‌ها و خطرات"، ترجمه‌ی اردشیر امیرارجمند، مجله‌ی حقوق نشریه‌ی دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران، ش 24.

عبادی، شیرین (1372)، "تاریخچه و اسناد حقوق بشر در ایران"، تهران، انتشارات روشنگران.

فن گلان، گرهارد (1379)، "حقوق میان ملت‌ها: درآمدی بر حقوق بین‌الملل عمومی"، ج دوم، ترجمه‌ی محمد حسین حافظیان، تهران، نشر میزان.

کیتیچایساری، کریانگساک (1383)، "حقوق بین‌الملل کیفری"، ترجمه‌ی بهنام یوسفیان و محمد اسماعیلی، تهران، سمت.

Adams, Simon (2008), "World History", kingfisher publication.

Georg, Bitra (2-3 August 2001), "The Report of Trafficking of Children- A Human Right Concern", Report of National Consultation.

"ICC Elements of Crime", UN.Doc.PCNICC/1999/L-5/Rev.1/Add.2.

Sanyal .S (May-Aug 2003), "Measures to prevent trafficking of women and children in South East Asia", Indian Journal of Criminology & Criminalistics, Vol,XXIV, No. 2.

Scarpa, Silvia (2008), "Trafficking in Human Being: Modern Slavery", Oxford University Press.

Deb, Sibnath (June 2005), "Child trafficking in South Asia: Dimensions, roots, facts and intervention", Journal of social changes, Vol 35, No 2,

Deb, Sibnath (June 2005), "process of child trafficking in West Bengal: A qualitative study", Juornal of social Changes, VOL.35, No.2, p.119.

"Treaty Series" (2012), Vol 2237, Doc.A/55/383.

SAARC convention on preventing and combating trafficking in women and children for prostitution 1997.

[Http://www.undoc.org/unodc/en/trafficking\\_victim\\_consent.html](http://www.undoc.org/unodc/en/trafficking_victim_consent.html)

## Cases

Prosecutor v. Dusko Tadic case, (1995), No IT-94-1,ICTY.

Prosecutor v.Kunarak, Kovac, Vokovic, (Feb,2001), ICTY T.Ch.II,22.

Prosecutor v. Issa Hassan Sesay, Morris Kallon, Augustine Gbao, Case NO.SCSL04-15-T

ذاقلى، عباس (1389)، "قاچاق انسان در سياست جنايى ايران و اسناد بين‌المللى"، تهران، نشر ميزان.

"قوانين و مقررات مربوط به زنان در ايران" (1372)، تهران، دفتر امور زنان نهاد رياست‌جمهورى.

عينى، محسن (تابستان 1390)، "مفهوم و ماهيت جرم سوداگرى انسان در اسناد فراملّى، حقوق ايران و آلمان"، مجله‌ى پژوهش‌هاى حقوق تطبيقى، دوره‌ى 15، ش 2.

معين، محمد (1363)، "فرهنگ فارسى"، ج دوم، چ هشتم، تهران، انتشارات اميركبير.

موثقى، سيد احمد (پايز 1386)، "قاچاق انسان، بردگى جديد"، مجله‌ى دانشكده‌ى حقوق و علوم سياسى، دوره‌ى 38.

مهرپرور، حسين (1376)، "حقوق بشر در اسناد بين‌المللى و موضع جمهورى اسلامى ايران"، تهران، نشر اطلاعات.

"Handbook for Parliamentarians" (June 2007), the Council of Europe Convention on Action against Trafficking in Human Being, Parliamentary Assembly of the Council of Europe.

McIntosh, A (1995), "Asian child prostitution on rise despite New Laws", Journal of International association of Physicians .AIDS Care I(10):46.

"Note on Human Trafficking in India: An American perspective", (April 2003), .CID Review, pp 34-38.

"Trafficking in women and children: Mekong sub-Region", p.2, produced by UNIFEM.